

ترازنامه گروگانگیری

زوزه‌های تازه‌ای
که از واشنگتن
بگوش می‌رسد

آنهایی که در آستانه تصمیم‌گیری‌های مجلس شورای اسلامی ایران درباره سر-نوشت جاسوسان آمریکایی با دهان تننا و استخفا‌های جگرخراش طبقاتی فریاد می-کشیدند: ما با آمریکا در جنگ نیستیم و با هزار آرزو منتظر معجزه واشنگتن پس از آزادی جاسوسان بودند و می‌پنداشتند که عوسام به محض رفع نگرانی از "گرفتاری شهروندان آمریکایی" گره از جبین می‌کشد و مردم ما ربه حال خود می‌گذارند که به راه مستقل و آزاد خود ادامه دهند، خیلی زود کوس رسوایی حسابگرهای سازشکارانه شان در کوی و بازار نواخته شد و مردم ما باز پس از بارها تجربه دریافتند که هیچ گاه منافع بنیادیشان با منافع انحصارات غارتگر امپریالیستی مطابقت ندارد.

بقیه در صفحه ۵

سرانجام، پس از چهارده ماه، جاسوسان دیپلمات‌نمای آمریکایی آزاد شدند. مذاکرات غیرمستقیمی که در چهارچوب شرایط چهارگانه مصوب ۱۱ آبان ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی به میانجیگری دولت الجزایر محدود و دوماه و نیم جریان داشت به نتیجه رسید. دولت الجزایر، در بیانیه-ای که مورد موافقت ایالات متحد آمریکا و جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، تعهدات آمریکا در قبال ایران و نحوه اجرای این تعهدات را که به مجرد گواهی دولت میانجی مشعر بر خروج ایمن ۵۲ تبعه ایالات متحده از ایران معتبر و نافذ است اعلام کرد.

طبق این بیانیه، دولت آمریکا از جمله تعهدات که بی‌درنگ به محاصره اقتصاد ایران پایان دهد و دستور توقیف دارایی-

بقیه در صفحه ۸

شماره ۴۶۶
دوره دوم
پنجم بهمن ماه ۱۳۵۹

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

کشورهای در حال توسعه از نقطه نظر استراتژی نظامی و سیاسی ایالات متحده آمریکا (۲)

در صفحه ۶

اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی ایران:

هوشنگ یورکریم
به منظور انحراف آن صورت گرفته می‌گیرد. کماکان در همین راستا قرار دارد. در عین حال کشمکش که بر سر شکست یا پیروزی و تحکیم این سیاست از مدتی پیش شروع شده بود به مرحله نهایی خود رسیده و چیزی نمانده است که یا تماماً به سود تولیدکنندگان خرده-پا و بقیه زحمتکشان روستایی و یا حفظ

بقیه در صفحه ۳

ریشه‌های یک کشمکش
سرنوشتی آن رژیم و کم و بیش در جهت تثبیت موارثت آن اتخاذ کرده بود. ولی، از وقتی که عمر دولت موقت به سر رسید، سیاست جمهوری اسلامی ایران تقریباً در راستای حل بنیادی مسئله ارضی قرار گرفت که متضمن مصالح عمومی مملکت و منافع زحمتکشان روستایی است. این سیاست، با وجود پاره‌های نارسانه‌ها و با همه تعرضی که از جانب برخی محافظ‌معین

عملکردهای سیا و تبلیغات امپریالیستی

همانطور که قبلاً اشاره شد "تبلیغات سیا" که توسط سیا سازمان داده می‌شود، مأموریت دارد که افکار و اعمال توده‌های مردم را با نشر اخبار دروغ در مسیر دلخواه هدایت کند. سیا برای جلوگیری از تأثیرات "تبلیغات سیا" در تصمیمات فوری مقامات حاکمه آمریکا یک کمیته هماهنگی بسیار مخفی بوجود آورده است که آنها را در جریان این تبلیغات قرار می‌دهد. وظیفه این کمیته این است که مراقبت نماید تا معماران سیاست خارجی آمریکا در نتیجه اخبار دروغی که سیا انتشار می‌دهد به اشتباه نیفتند، زیرا در گذشته چنین مواردی دیده شده است. واشنگتن پست در توصیف فعالیت این کمیته نوشته است که معمولاً گرد-همایی کمیته هنگامی صورت می‌گیرد که طرح سری بسیار مهمی در ارتباط با وسایل عظیم خبری در دست اجرا باشد.

بقیه در صفحه ۸

اطلاعاتی پیرامون مسلمانان در اتحاد شوروی

شده است. و برانگیختن دشمنی و کینه توزی به مناسبت اعتقادات مذهبی ممنوع است. قوانین اتحاد شوروی برای ارضای کلیه نیازمندیهای دینی و مذهبی شهروندان امکان‌های واقعی را رسماً تضمین و عملتاً تأمین کرده‌اند. به موجب قانون، اگر شمار پیروان کیش یا مذهب خاصی به بیست نفر برسد، آنها حق

بقیه در صفحه ۷

های دموکراتیک، حق مسلمانان را بر سر پیروی از دین اسلام و انجام کلیه مراسم آن تضمین کرده است. در ماه ۲۰ه قانون اساسی اتحاد شوروی آمده است: برای شهروندان اتحاد شوروی، آزادی وجدان، یعنی حق پیروی از هر دین و مذهب دلخواه یا پیروی نکردن از دین و مذهب، انجام شعائر و ادب مذهبی و تبلیغات غیرمذهبی تضمین

افق‌های وسیع و پتانام

من با زبان حقیقت سخن می‌گویم، و تکیه به کمیته خلق رفتم به زحمت توانستم آن را بشناسم. اعلان‌های تبلیغاتی محصولات غربی که پیش از این در همه جا نصب شده بودند، دیگر در جلوی ساختمان‌ها نبودند. در آن محل خیلی بیشتر از سابق مردم با جامه سنتی و پتانام به چشم می‌خوردند. ازدحام‌های سابق در فلکه چشم‌دگر وجود نداشت. همچنین دسته‌های گشتی پلیس که دو سال قبل همواره در مناطق مرکزی شهر مستقر بودند، دیگر حضور نداشتند. هنگامیکه نخستین تأثراتم را حدین عبور از میان شهر برای لنگرانگان تشریح کردم او تأیید کرد: بله، تغییرات زیادی در شهر هوش مینه به وقوع

بقیه در صفحه ۶

گینه در راه رشد غیر سرمایه‌داری

گینه در آستانه استقلال (۱۹۵۸) کشوری استعمارزده با اقتصاد چندساختاره بود. دهقانان همبده‌های روستایی که ۹۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دادند، اکثراً در نظام اقتصاد طبیعی زندگی می‌کردند. فعالیت آنها محدود به کشت ارزن، برنج، مانیوک و گوجه‌فرنگی بود. عقب‌مانده‌ترین قبایل جنگلی گینه حتی در مرحله میوه چینی می‌زیستند. آثار مناسبات فئودالی در منطقه فلات فوتالون که مرکز تجمع چوپانان بود، وجود داشت. خرده‌بوروازی از خرده‌فروشان و پیشه‌وران سرچشمه می‌گرفت. واحدهای کوچک صیغی‌کاری و موسسات پیشه‌وری در شهرها و مناطق مجاور مراکز عظیم معدنی شاخص اقتصاد خرده‌کالائی بودند. نظام سرمایه‌داری که به موسسات صنعت استخراج و مزارع بزرگ مربوط بود، توسط اروپائیان و

بها (لبنانی‌ها و سوریه‌ها) اداره می‌شود. وسایل حمل و نقل، تولید نیرو و صنعت تبدیل مواد نیز به سرمایه‌داری خارجی تعلق داشت تعداد مزد بگیران در ۱۹۵۸ (رویه ۱۰۰۰۰ نفر بود).

حزب دموکراتیک گینه که در چنین اوضاع و احوالی به قدرت رسید اعلام داشته بود که یکی از وظایف اصلی اش ایجاد "جامعه‌های یگانه بر اساس اتحاد قشرهای اجتماعی است" در قطعه‌نامه‌های هشتمین کنگره حزب در مورگراتیک گینه با صراحت کامل تصریح شده است که در نظام سوسیالیستی برای کشور هدفی است که می‌تواند هر نوع گرایش به استثمار انسان از انسان را ریشه کن سازد. به همین منظور تدابیر متعدد در گینه برای محو کامل فئودالیسم و محدود کردن رشد عناصر بوروازی در شهرها و روستاها

شعر

چنین گفتندم

از صد و هشتاد و هشت

ترجمه بدرالدین مدنی

در صفحه ۶

گینه در راه رشد...

این روند ها در عمل چگونه جریان یابند و چه تغییرات مهمی در ساختار جامعه گینه از زمان دست یافتن کشور به استقلال حاصل گردید؟ تعقیب پویائی آن چندان آسان نیست: زیرا در گینه عملاً آمار رسمی وجود ندارد و نویسندگان و آثار مرجع نادر هم به ندرت آمارهای تخمینی جدا جدا اقبال کهنه برداخته اند. با وجود این، آنها امکان می دهند که به نسبت های معین برخی گرایش ها در زمینه پیدایش طبقه کاملاً خاص روشن گردند.

گینه مشکل از طبقات و قشرهای اجتماعی است که مشخصه جامعه دوران استعماری است. آنها عبارتند از طبقه کارگر، خرده بورژوازی و قشرهای متوسط شهری. البته این طبقات و قشرها هنوز نامشخص و نابالغ اند، چون اقتصاد مبتنی بر ساختارهای متعدد است. اکنون شرایط برای شکل بندی روشنفکران ملی موجود است. دهقانان طبقه بسیار متنوعی را تشکیل می دهند کشاورزی ۸۲ تا ۸۵٪ جمعیت فعال کشور را در بر می گیرد.

سیاست استعماری فرانسه و سپس عمل دولت گینه مستقل از روستا و تأثیر بازار خارجی عواملی پدید آورد که به روند تجزیه همبود روستا تکمیل نمود که همچنان ادامه دارد. این روند هنوز بطور برابر و توأم با پیچ و خم ها و واگشت ها جریان دارد. رئیس جمهور سگوتوره در یکی از نطق هایش در ۱۹۷۴ از چهار گروه دهقان نام برد که نه تنها از حیث سطح درآمد هایشان، بلکه از حیث شیوه اداره اقتصاد از یکدیگر متمایز یزند. در آن موقع بین آنها دهقانان مرفه (از نوع کولاک) وجود داشتند. این قشر امروز عملاً وجود ندارند.

اکثریت دومیلیون دهقان گینه به طور انفرادی از زمین های متعلق به خود بهره برداری می کنند. تنظیم آمار و ارقام دقیق در این زمینه دشوار است. اما کلاً بهره برداری ناکافی کار کشاورزی و سلطه مطلق عواملی که مارکس آن را شرایط تولید ابتدائی یا "طبیعی" می نامید در تولید کشاورزی (با توجه به تفاوت آن با وسایل کار مکانیکی) امکان می دهند که بگوئیم این بخش از تولید دهقانان در گینه بی شمارند. در عین حال دهقانان منفرد صاحب زمین اکثریت اعضای همبود ها را تشکیل می دهند که همانطور که در تصمیمات شورای ملی انقلاب گفته شد "از وسایل تولید ابتدائی استفاده می کنند که به زحمت به آنها امکان می دهد که معیشت خود را تأمین نمایند".

دهقانان همبود که بخش بزرگی از آنها در شرایط اقتصاد طبیعی زندگی می کنند در مرحله نخست رشد اجتماعی روستای گینه قرار دارند، حال آنکه دهقانان عضو گروه های تولید، واحد های دامپروری دولتی و واحد های همبودی که به تصمیم یازدهمین کنگره حزب دموکراتیک گینه (نوامبر ۱۹۷۸) بوجود آمده اند مرحله دهم رشد را می گذرانند.

هسته مرکزی این تحولات را در روستا جوانانی تشکیل می دهند که دوره تربیتی ویژه ای را در دانشگاه های آزاد کشاورزی، منطقه ۳ منطقه ۳ منطقه گینه گذرانده اند. مراکز تربیت انقلابی پرورش یافته اند. در هر دو حالت شاگردان فارغ التحصیل باید مجهز به معلومات نظری و عملی در زمینه کشاورزی و دامپروری باشند. در اندیشه رهبران حزب دموکراتیک گینه این واحد ها باید به واحد های بهره برداری بالنسبه مهم تبدیل شوند و بتوانند

از تجهیزات و کودی که در اختیار آنها قرار می گیرد، استفاده کنند. رهبران گینه معتقدند که این واحد ها مناسبات تولید سوسیالیستی را در روستا تحکیم نموده و به افزایش شمار دهقانانی که برای کار جمعی گرد می آیند کمک خواهد کرد و سنت های فرسوده همبودی را از میان بر خواهد داشت و زمینه را برای تربیت ایدئولوژیک دهقانان فراهم خواهد نمود.

در گونی سیمای اجتماعی شهریه شکل گرفتن طبقه کارگر مربوط می شود. از لحاظ تاریخی این طبقه در دوران فرمانروائی سیستم اداری استعماری بوجود آمد. در آن دوران در سرزمین آفریقای غربی فرانسه سیستم مالیات های نقدی برقرار شده بود که دهقانان را مجبور می نمود، برای گرد آوردن مبلغ لازم به استخدام در آیند. با این همه در این دوره است که عمدتاً در راه آهن ها، برخی موسسات بزرگ و در سیستم امور عمومی قشری از کارگران حرفه ای متخصص بوجود می آیند که کار مزدوری یگانه منبع معیشت شان است.

این روند پس از اعلام استقلال شدت یافت. چون ضرورت های رشد اقتصاد آن را ایجاب می نمود. طبقه کارگر گینه به حساب زحمتکش مهاجر فصلی رشد می یابد. اکثریت کارگران از دهقانان قدیم هستند. کارگران نسل دوم نادرند. طبقه کارگر در عین حال از پیشه و رانی که در برابر بازار سرمایه داری خارجی قادر به مقاومت نبودند و خورده بازگشتی که از هستی ساقط شده اند، تکمیل می شود. طبقه کارگر گینه هنوز بسیار جوان است. کارگران کشاورزی کسانی هستند که هنوز نزدیک ترین روابط را با روستا حفظ کرده اند. طبق برآورد ۱۹۷۵ تعداد آنها ۲۶۰۰۰ نفر است اکثریت آنها بیسوادند. بطور کلی لازم به یاد آوری است که در سال های ۶۰ تقریباً ۱۰۰٪ پرولتاریا بیسواد بود. اما در دهه اخیر موضوعات بطور مطلوبی تغییر کرد.

در اواسط دهه ۷۰ تعداد پرولتاریا گینه از ۵۰ هزار نفر تجاوز کرد و تقریباً به ثلث همه مزد بگیران رسید. اگرچه موسسات کوچک و خیلی کوچک از نوع پیشه ورانه در کشور اکثریت دارند و بطور متوسط ۱۰۰ تا ۵۰ (و حتی ۱۰) کارگر در آنها کار می کنند اما توده کارگر رچند موسسه بزرگ که از حیث تجهیزات فنی شان پایین تر از کارخانه های کشورهای صنعتی سرمایه داری نیستند، متمرکزند. صنایع معدن محل تمرکز بسیاری از نیروی کار است. چنانکه در شرکت مختلط استخراج بوکسیت موسوم به فریا تقریباً ۱۰۰۰ کارگر مشغول کارند و موسسه دولتی استخراج الماس ۴۰۰ نفر کار می کنند در موسسات خصوصی صنعت تبدیل مواد متمرکز نیروی کار کمتر از بخش معدن است، حال آنکه در موسسات دولتی تقریباً ۳۰۰ نفر در هر موسسه کار می کنند. تمرکز پرولتاریا در موسسات دولتی به اعتدای شعور طبقاتی کارگران، یعنی به تحکیم حضور دموکراسی انقلابی در قدرت کمک می کند.

روند ملی کردن در مقیاس وسیعی موضوع سرمایه خارجی را تخریب نمود و در عین حال راه را برای رشد عناصر بورژوازی در داخل کشور هموار کرد. صفوف بورژوازی بطور اساسی به حساب دهقانان دولت مند که توانسته اند با استثمار اعضای خانواده خود مبلغ لازم را برای خرید یک تراکتور گرد آورند و نیروی کار اضافی را به خدمت گیرند و نیز به حساب کارمندان دولت و کادرهای حزبی که با استفاده از موقعیت خود صاحب سود و

منافع شده اند، افزایش یافته است. صاحبان موسسات پیشه ورانه و بازرگانان خرده پا حاشیه پائینی بورژوازی را تشکیل می دهند. کارشناسانی که این مسأله را بررسی می کنند، نشان می دهند که چون ناتوانی سر- مایه محلی در ایجاد موسسات صنعتی یکی از علت های اصلی سطح بسیار نازل انباشت است، نمی تواند در بخش صنعتی که برای ایجاد پست های جدید کار به مبالغ زیادی سرمایه گذاری نیاز است، با سرمایه خارجی یا دولت رقابت کند. برخی محافل اقتصادی گینه در موسسات به عنوان شرکای مادون کار - فرمایان لبنانی یا سوری محلی شرکت می کنند. دولت اخیر تدابیر جدیدی در تشویق سرمایه داران خارجی برای قبول محافل اقتصادی گینه به عنوان شریک اتخاذ کرده است.

در پایان دهه ۷۰ به موسسه فروتیتا - گینه با سرمایه خصوصی که مدت ها موسسه ای منحصر به فرد بوده، دو کارخانه پارچه بافی خصوصی اضافه شده که به موهبت وجوه سرمایه داران گینه ساخته شده است. این سرمایه داران پس از سی و هشتمین جلسه شورای ملی انقلاب به گینه بازگشته اند (این جلسه که در ژوئیه ۱۹۷۷ برگزار شد تصمیم گرفت با محافل بازرگانی گینه که قبلاً مهاجرت کرده بودند وهم صاحبان صنایع خارجی برای رشد بخش های صنعتی، معدنی و کشاورزی شریک شود). با این همه هر چند شرایط مقرر برای سرمایه گذاری سرمایه ها بسیار سود مند بود، بسیاری از این فرزندان و لخرج در بازگشت به کشور با سرمایه های - شان عجله نمی کنند.

در مجموع شمار کارفرمایان سرمایه دار گینه از تعداد انکشتان تجاوز نمی کنند، حال آنکه تعداد بورژوازی تجاری در دهه های ۶۰ تا ۷۰ تقریباً ۱۰۰۰ نفر بود است. با این همه، طبق اطلاعات موجود قریب دو سوم محصولات از وقای از راه قاچاق به خارج فرستاده می شود. همچنین فروش محصولات مهم در مغازه های مخصوص کوناگری این فکر را القا می کند که منع تجارت خصوصی جنبه صوری دارد. این واقعیات نشان می دهند که بورژوازی تجاری تاکنون از زمین نرفته است. گسترش گرایش های بورژوازی با وضوح خاصی در شکل بندی بورژوازی بوروکراتیک نمایان است. منابع مالی دولت و حقوق کلان کارکنان بلند پایه نخستین سرچشمه های انباشت برای این بورژوازی است (یکی از علت های حقوق کلان کارمندان دستگاه دولتی مربوط به نبودن کادرهای رهبری در دوره تشکیل جمهوری مستقل است).

بدیهی است که نمی توان همه کارمندان دستگاه اداری دولت را به بورژوازی بوروکراتیک مربوط دانست (۱). باید تنها آن عده از کارمندان دولتی را در صف بورژوازی بوروکراتیک قرار داد که از موقعیت خود به نفع سیستم کنترل وسایل تولید استفاده می کنند. و درآمد هایشان حاصل از کارشان نیست، بلکه آنها را از راه معامله کالاها و اوراق بها دار به دست می آورند.

سرچشمه اصلی درآمد های غیر قانونی بورژوازی بوروکراتیک در حال حاضر موسسات خصوصی کشاورزی است، زیرا منع تجارت خصوصی امکانات سود آگریهای بازرگانی را به شدت محدود کرده است. در گینه غیر از طبقات و قشرهای اجتماعی وابسته به رژیم سرمایه داری بقایای طبقه بندی اجتماعی خاص رژیم ماقبل سرمایه داری پیشه وران و عناصر نیمه فئودالی و روسای قبایل نیز وجود دارند. ویژگی های اساسی تولید پیشه ورانه

سنتی به خصیلت فصلی امور کشاورزی درآمد های حاصل از آن و پیوند این درآمد ها با محصول به دست آمده بستگی دارد پیشه وران زمان پیدایش و در سراسر حیاتش به کاست (طبقه بسته) معین، کاست پائینی معمولی تعلق دارد.

در گینه نیز مانند دیگر کشورهای آفریقای استوایی تحول کلاسیک حرفه پیشه وری از دستکارا که ها به تولید بزرگ صنعتی تحقق نیافته است. اغلب پیشه وران کارگرمی شوند یا به کشاورزی بازمی گردند. کاست ها هنوز مانند رسم احترام نهادن به روسای سنتی در همبود های معمولی گینه وجود دارند. اشرافیت قبلی های پیشین فوتی جالون که نقش سیاسی اش را کاملاً از دست داده، مواضع اقتصاد ی اش را کاملاً حفظ کرده است. در مجموع می توان گفت که اهمیت قدیمی هادر زندگی جامعه گینه همواره کاهش می یابد.

از حل وظایفی که هشتمین کنگره حزب دموکراتیک گینه مطرح کرده بود، این نتیجه به دست آمده است. دهقانان مرفه تقریباً بطور کلی در روستا ازین رفته اند شمار فرا- بند های از واحد های فردی بهره برداری در چارچوب کار جمعی گرد آمده اند. برای تجمع پیشه وران شهر در تعاونی ها کام هائی برداشته شده است. خرده بورژوازی کوچک شهری کم کم مواضع اش را از دست می دهد. امکانات رشد بورژوازی دموکراتیک محدود شده است. و در عین امکانات طبقه کارگر کشور ولوبه کندی افزایش می یابد. دولتی - کوشد دستمزد های کارگران را تا سطح دستمزد های کارمندان بالا نبرد و مانع بالا رفتن ناموجه حقوق کارمندان گردد.

با وجود این روند شکل بندی جامعه ای کاملاً هماهنگ که در آن نقش رهبری در دست قشرهای زحمتکش شهروروستا باشد، با آهنگ رشد اقتصاد ی فوق العاده نازلی روبروست. یکی از علت های اصلی آن مبادله بازرگانی ناچیز شهرها و روستاهاست. و این به خاطر قیمت های نازلی است که دولت برای تولید کشاورزی تعیین نموده. در این شرایط دهقانان همبود روستائی از توسعه تولید نفع نمی برند. از این رو آنها ترجیح می دهند صرفاً به تأمین معیشت خانواده شان بپردازند و احتمالاً محصولات اضافی شان را به قیمتی بالاتر از قیمت دولتی به سوداگران بفروشند.

وظیفه مهمی که در این جام طرح است این است که دهقانان به پشتیبانی دموکراسی انقلابی مجتمع شوند و اتحاد طبقاتی کارگران و دهقانان بیش از پیش تحکیم یابد

یادداشت:
(۱) قشر اجتماعی کارمندان گینه به آن بخش از سکنه کشور تعلق دارد که مدرسه را تمام کرده خواندن و نوشتن را به فرانسه می داند. آنها علاوه بر اجرای وظایف خاص حرفه شان بخش مهمی از پست های باسئو - لیت را در ارگان های حزبی و اجتماعی بر عهده دارند. افرادی که آموزش عالی را گذرانده اند معمولاً در پست های مهم دولتی و حزبی گمارده می شوند.

اتحاد مردم

مدیر مسئول و صاحب امتیاز:
محمود اعتماد زاده (م. ا. م. به آذین)
سردبیر: محمد تقی پرومند
نشانی: تهران - منطقه ۳ (پستی)
صندوق شماره ۳۱۴/۱۱۱۲

بقیه از صفحه ۱

اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی ایران

ریشه‌های يك كشمکش

هم سیاست رژیم پیشین را دنبال می‌کرد و بر تجاوز ملاکان بزرگ که حقوق تولید کنندگان خرد و یا زحمتکش روستایی را پایمال می‌کردند صحنه می‌گذاشت. سیاست کشاورزی آن دولت "علیرغم تقاضاهای مکرر زحمتکشان جان به لب رسیده روستایی و توصیه‌های رهبری انقلاب مبنی بر رفع ستم زستضعفین ایل و ده بر همان روال پیش از انقلاب و در جهت تثبیت مالکیت های بزرگ ارضی" بود (اتحاد مردم، ۴۴/۸/۵۸)، چنان دولتی رویاروی همان انقلابی قرار داشت که او را به کارگماشته بود و به همین لحاظ در یازود باید سقوط می‌کرد. پس، وقتی واقعه کارساز و انقلابی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا روی داد، دولت موقت با وزارت کشاورزی اش که تکیه‌گاهی برای ملاکان و سرمایه‌گذاران بزرگ ارضی و بقیه وابستگان و هواداران امپریال-لیسم بود، در برابر امواج خروشان ضد امپریالیستی مردم ایران طاق ت نیارود و ساقط شد. پس از دولت موقت، سیاست کشاورزی جمهوری اسلامی ایران در جهت حل بنیادی مسئله ارضی به سود زحمتکش روستایی چرخشی به خود گرفت و طرحی به ابتکار معاون جدید وزارت کشاورزی، آقای رضا اصفهانی، تهیه شد که بانام " طرح استاد رضا اصفهانی " مدتی موضوع بحث محافل اجتماعی و مطبوعات کشور بود. عده‌ای که از قانون ارضی دولت موقت خوشنود بودند در مقابل طرح صف آرایی کردند. ولی آن طرح پس از چندی، با پشتیبانی افکار عمومی و تحت تأثیر تسخیر انقلابی لانه جاسوسی آمریکا، با اندک تغییر بی به صورت لایحه " قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری زمین و احیای ارضی ... " به تصویب شورای انقلاب رسید (۱۱/۱۲/۵۹) و به نام " قانون اصلاحات ارضی اسلامی " شهرت و مقبولیت عامه یافت.

ارضی مشمول " قانون اصلاحات ارضی اسلامی " در چهار بند تقسیم شده‌اند بند " الف " - ارضی موات و مراتع، بند " ب " - ارضی آباد شده توسط افراد یا شرکتهای که دارگاہ صالح اسلامی به استرداد آنها حکم داده است، بند " ج " - ارضی بایر که قبلاً دائر بود و بر حسب ملاکهای رژیم قبلی ملک اشخاص یا موسسات شمرده می‌شده است و بند " د " - ارضی دائر. مطابق این قانون، ارضی بند های " الف " و " ب " در اختیار حکومت اسلامی است تا آنها را با رعایت مصالح جامعه به ترتیب الویت به روستائیان بدون زمین یا کم زمین و فارغ التحصیلان کشاورزی و افراد غلاتند به کار کشاورزی واگذار کند و یا بهره برداری از آنها را به کار - های عام المنفعه اختصاص دهد. در مورد ارضی بند " ج "، چنانچه مالکانشان از عمران آنها خودداری کنند، آن ارضی نیز مشمول بند های " الف " و " ب " می‌شود و اگر به عمران آنها بپردازند مشمول بند " د " خواهد شد که در این صورت، اگر مالک شخصاً به امر کشاورزی در آنها اشتغال دارد تا سه برابر مقداری که در عرف محل برای تأمین زندگی کشاورز و خانواده او لازم است در اختیار او می‌ماند و اگر شخصاً به کشاورزی در آنها اشتغال ندارد وضع درآمد دیگری برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش ندارد، فقط تا دو برابر مقدار مزبور در اختیار او می‌ماند و در مورد بقیه درجا - هائی که کشاورزانی وجود دارند که فاقد زمین زراعی هستند و جز از راه گرفتن مازاد

بخشی از مالکیت مالکان و سرمایه گذاران بزرگ ارضی، به نتیجه برسد. هر چند که افکار عمومی به قدر کافی از موضوع این کشمکش اطلاع یافته و با پشتیبانی از حل بنیادی مسئله ارضی به اعتلای سیاست کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران کمک کرد. ماست ولی باز هم باید از عمق و اهمیت موضوع صحبت کرد. زیرا نتیجه چنین کشمکشی در عین حال که مستقیماً به زحمتکش روستایی مربوط است، در حیات اقتصادی و سیاسی کشور تأثیر بسزایی می‌دارد. در واقع، از همان نخستین ماه‌های استقرار جمهوری اسلامی ایران، حل بنیادی مسئله ارضی به صورت یکی از مبرم ترین وظایف انقلابی مطرح شد. منتهی دولت موقت در این مورد نیز کار را به تعلل برگزار می‌کرد. حتی وزیر کشاورزی دولت موقت که اخیراً معلوم شد متقاضی کارت سبز دولت آمریکا بود، به کلی منکر لزوم حل مسئله ارضی می‌شد. چنانکه در پاسخ یکی از خبرنگاران راجع به ضرورت اجرای يك اصلاحات ارضی واقعی ادعا کرد که چون در رژیم سابق اصلاحات ارضی انجام شده دیگر نیازی به آن نیست (اطلاعات ۲۹/۷/۵۸). در حالیکه اصلاحات ارضی رژیم سابق - که مطابق سرشت يك نظام حکومتی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم صورت گرفته بود - نه فقط مسئله ارضی را حل نکرد، بلکه موجب بسط روابط تولید سرمایه داری و رخنه سرمایه های خوددی و بیگانه در جامعه روستایی ایران شد. با آن اصلاحات، ارضی بسیار مرغوب و انواع اعتبارات و کمک های دولتی در معرض سوء استفاده - های صاحبان موسسات سرمایه داری گشت و صنعت " - مجتمع شیر و گوشت " سازمان کشاورزی و از این قبیل قرار گرفت. در حالیکه تولید کنندگان خرد و پاور زحمتکش روستایی از زمین کافی و کمک های لازم فنی و مالی محروم مانده بودند. نتایج آمارگیری کشاورزی در سال ۱۳۵۴، یعنی چند سال پس از خاتمه کلیه مراحل اصلاحات نواستعماری رژیم سابق، نشان داده است، که حتی صرف نظر از ارضی تعدادی از موسسات سرمایه داری، بیش از ۴۴،۱۵۳ هکتار ارضی واقع در حوزه آمارگیری کشاورزی روستایی به ۹۰۸۶ واحد بهره برداری تعلق داشت که هر یک حداقل بیش از صد هکتار زمین داشتند و متوسط مقدار زمینشان از دو بیست و سی هکتار بیشتر بود. ولی در همان حال توده عظیمی از زحمتکش روستایی محروم از زمین آواره و سرگشته بودند و مساحت مجموع ارضی ۸۵۶۶۳۵ واحد کوچک يك تا پنج هکتاری که حداقل چهار میلیون روستایی زحمتکش از آنها نان می‌خورند فقط ۳۱۶،۱۰۰ هکتار بود (نشریه ۸۰۱ مرکز آمار ایران، صفحه ۳۲، جدول ۴).

بنابراین، دولت موقت نمی‌توانست اصلاحات ارضی رژیم سابق را چنانکه وزیر کشاورزی - اش سعی داشت به جای " اصلاحات ارضی واقعی " بر انقلابی تحمیل کند که آن رژیم را سرنگون کرده بود. به همین لحاظ کشمکشی که می‌بینیم امروزه مرحله نهائی خود نزدیک شده است، در دوره دولت موقت شروع شده بود. ولی آن دولت امیدوار بود که با وعده احیای ارضی موات و بایر - که وزیر کشاورزی همان دولت مدعی بود که بعداً در اختیار دهقانان بی زمین و کم زمین قرار خواهد گرفت - توجه زحمتکش روستایی و افکار عمومی را از ارضی دائر ملاکان بزرگ و لزوم حل بنیادی مسئله ارضی منحرف کند. بنا بر همین فکریه تهیه " قانون نحوه واگذاری و احیای ارضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران " دست زدند که در تاریخ ۵۸/۶/۲۵

زمین اینگونه مالکان نمی‌توان آنها را صاحب زمین زراعی کرد. وظیفه آنها این است که مازاد بر حد مذکور را به اینگونه زارعین واگذار کنند و اگر به میل خود به این وظیفه عمل ننمایند به مقتضای ولایت به حکم حاکم از آنها گرفتار و رختیار کشاورزان نیازمند گردانند و دولت بهای نسق این زمینها را پس از کسر بدیهیهای مالک به بیت المال به او می - پردازد. در عین حال، به موجب این قانون " واحد های مکانیزه کشاورزی که تقسیم آنها منشا کاهش بارزده می‌شود نباید تقسیم شود و لازم است که به صورت تعاونی به کشاورزان واگذار گردد ". به این نحو، پیش - بینی شده است که ضمن واگذاری زمین به روستائیان، برای آنکه قطعه قطعه کردن ارضی بزرگ موجب اتلاف قسمتی از زمین و مانعی در راه مکانیزاسیون تولید زراعی نگردد، نحوه واگذاری به صورت " مشاع " باشد، یعنی سهم هر یک از زارعان، در يك واحد تعاونی، تحدید حدود یا به اصطلاح " مغرور " نشود.

بر طبق " قانون اصلاحات ارضی اسلامی " هیئت مسئول واگذاری زمین در هر منطقه، مرکب از هفت نفر (دو نفر نماینده وزارت کشاورزی، يك نفر نماینده وزارت کشور، يك استاند ارحل، يك نفر نماینده حاکم شرع و ولی امر، دو نفر نماینده مردم محل بقاء پیدا نمایند و حاکم شرع و يك نفر نماینده جهاد سازندگی)، به حل و فصل قضایای مورد نزاع مربوط به اجرای قانون نیز میپردازند. در ضوابط واگذاری ارضی قید شده است که زمین نباید بدون عذر موجه معطل بماند و عملکرد روی زمین باید به نحوی باشد که موجب اتلاف آن نشود. در عین حال، ارضی واگذاری قابل انتقال نیست مگر با اجازه دولت و رعایت موازین دیگر قانون. مسئولیت اجرای قانون با وزارت کشاورزی است که ستادی مرکب از پنج نفر (يك نماینده تمام - الاختیار از جانب حاکم شرع و ولی امر و چهار نماینده تام الاختیار از جانب جهاد سازندگی و وزارتخانه های کشاورزی، کشور و دادگستری) در تهران تشکیل می‌دهد و هیئت های هفت نفره واگذاری زمین را مطابق پیشبینی قانون به وجود می‌آورد. به خوبی آشکار است که " قانون اصلاحات ارضی اسلامی "، به خلاف اصلاحات ارضی رژیم سابق و نیز به خلاف قانون ارضی دولت موقت، با مضمون انقلابی خود می‌تواند پاسخگو یکی از مبرم ترین نیازهای اجتماعی باشد و این خود مبین تحول بنیادی در سیاست کشاورزی جمهوری اسلامی ایران است. مهم ترین نکته، صرح در قانون این است که برای مالکیت بر ارضی زراعی حدودی تعیین کرده و به هیچکس اجازه نداد هاست که در هیچ صورتی بیش از سه برابر عرف محل زمین زراعی در اختیار داشته باشد و در عین حال راه قانونی ایجاد واحد های تعاونی در تولید کشاورزی را هم هموار کرده است. پیدا است که قانون تا بیشترین حد مصمم به حل مسئله ارضی به سود زحمتکش روستایی است و قصد دارد که دست تسلط ملاکان و سرمایه گذاران ارضی بزرگ را از جامعه روستایی ایران کوتاه کند. درست به همین سبب است که ضمن تصویب این قانون و پس از تصویبش تا تشکیل هیئت های هفت نفره واگذاری زمین و طی کلیه مراحل اجرایی آن تاکنون ملاکان بزرگ و محافل هواداران علیه قانون به انواع سنگ اندازی، مانع - تراشی، شایعه پراکنی، تهمت زنی و تشنج آفرینی دست زد هاند که خود حدیث مفصل دیگری دارد.

(ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱

افق‌های وسیع...

پیوسته است. ما به کمک مناطق شمالی که مقدار زیادی مواد خام مورد نیاز صنایع را برای ما فرستادند و نیز با کمک های موثر و گسترده اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر بعضی مشکلات را از پیش پا برداشته ایم و خطر مشکلات دیگر را نیز تا حد زیادی تخفیف داده ایم. وضع صنعت بهتری شود. تولید ناخالصی در مقایسه با سال ۱۹۷۵، ۵۰٪ افزایش یافته. تولید ما در سال گذشته بالغ بر ۱۲۰ میلیون دنگ بود و در سال جاری امید داریم به ۱۳۵۰ میلیون دنگ برسیم. تصمیمات پلنوم ششم کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام که در سپتامبر ۱۹۷۹ تشکیل شد، افق‌های وسیعی در برابر صنایع شهر هوشی مینه و مناطق اطراف آن گشود. تصمیمات پلنوم خطوط ترقی صنعتی را بر پایه تهیه مواد خام در محل، افزایش صادرات، ایجاد محرک‌های مادی بیشتر برای کارگران، و عرضه استقلال بیشتر به مؤسسات اقتصادی تعیین نمود. سازمان حزبی شهر و کمیته خلق با استواری این رهنمودها را دنبال می‌کنند. علاوه بر بازسازی کارخانجات بزرگ، ایجاد مؤسسات تعاونی کوچک را نیز مورد حمایت و تشویق قرار می‌دهیم. نتایج این خط مشی به صورت پیشرفت در عرضه کالاها، مصرفی، افزایش صادرات و کاهش تعداد بیکاران ظاهر می‌شوند. در ۱۹۷۵، یک میلیون نفر از جمعیت ۴ میلیونی شهروندان سایگونی بیکار بودند در طول چند سال گذشته ما ۸۰ هزار محل کار جدید ایجاد کردیم و اینک فقط ۲۰ هزار نفر از جمعیت ۳ میلیونی شهروندان سالم بیکار هستند.

ترقیات خوشایندی در کشاورزی صورت می‌گیرد. جدا از شهر هوشی مینه، منطقه اداری ما شامل ۶ ناحیه روستایی است. در ۱۹۷۵، تولید غله در این نواحی روستایی مقدار ناچیزه ۹ هزار تن بود. چهار سال بعد تولید به ۲۰ هزار تن رسید و در سال جاری ما در نظر داریم محصول خود را به ۲۳۰ هزار تن افزایش دهیم. ما امید داریم چنین محصولی را با احیای زمین‌های بیکرو ایجاد مناطق اقتصادی جدید در زمین‌های موات به دست آوریم. اگرچه هنوز وقت لازم است تا این زمین‌ها سود دهی داشته باشند اما ما کارگران حزبی و دهقانان مطمئن هستیم که راه درستی را برگزیده ایم. مردم کار دائم پیدا کرده‌اند. شهر غذای خود را که قبلاً با اجبار از دیگر ایالات یا بعضی اوقات از خارج کشور تهیه می‌کرد، فراهم می‌کند.

من از چان می پرسیم: "باتوجه به اینکه حل مشکلات اقتصادی صرف نظر از آنکه چقدر ریفرنج باشد - خیلی آسانتر از تفسیر طرز تفکری است که طی دهه‌های متعددی در ساکنان جنوب شکل گرفته. دستاوردهای شما در این زمینه چگونه است؟"

"ما در ویتنام ضرب المثلی داریم که می‌گوید بدست آوردن درخت فلفل مشکل است اما مشکل تر از آن تربیت انسان است. حقیقت این ضرب المثل برای ما کاملاً ثابت شده است. بسیاری از آنان با این که زیر سلطه آمریکایی‌ها و عروسک‌های سایگونی آنها در عذاب بودند و در خیابانها به سرپازان ارتش آزادی بخش خوشامد گفتند، معذالک تحت تأثیر تبلیغات شدید ضد کمونیستی روحیه ای فردگرایانه دارند و مشتاق اند که در آمد های زیادی کسب کنند. این یک راز نیست و من اضافه می‌کنم که بسیاری از مردم خیلی ساده عادت به کار کردن نداشتند و غالباً زندگی خود را با مشاغل اتفاقی و مشوک می‌گذراندند.

"ما چگونه به وظیفه خود عمل کردیم؟ نخست کوشش کردیم زنده گی اقتصادی را به حالت عادی بازگردانیم سپس مبارزه ای صبورانه آغاز کردیم تا به مردم توضیح دهیم مشکلات موقت اجتناب ناپذیرند و اگر ما بخواهیم ارزش های سنتی مربوط به یک زندگی سالم شفلی را احیا کنیم باید این مشکلات را پذیرا باشیم. البته ما نسبت به محرکان، دویهم زن ها، جنایتکاران و جاسوسان خارجی سختگیر هستیم. در نتیجه این اقدامات موقعیت کنونی به میزان زیادی بهبود یافته و ثبات سیاسی تضمین شده است. آگاهی اید غولوزیک توده ها بالا تر رفته. ما باید حد اکثر تلاش خود را بکنیم تا مواضع سوسیالیسم را در اقتصاد و فرهنگ تقویت کنیم و توده ها را آموزش دهیم. شما قبلاً از حومه شهر بازدید کرده اید، ببینید اینک به یک کارخانه سر بزیم تا ببینید مسائل چگونه برای کارگران صنعتی مطرح می‌شوند و در جواب گفتم خیلی مایلم کارخانه ای را در چولون ناحیه ای

در شهر هوشی مینه که ساکنان آن عمدتاً چینی هستند از نزدیک ببینم. رفیق چان بلافاصله گوشی تلفن را برداشت و مدتی صحبت کرد. او به من گفت که آنها صبح روز بعد در کارخانه تولید پوشاک کوتی مای مرا ملاقات خواهند کرد اگر به اخبار جراید غربی در مورد ویتنام نگاه می‌کنید ازیم غالباً با مقالاتی متعدد درباره وضعیت چینی های مقیم جنوب ویتنام و راجع به بخش چولون روبرو خواهیم شد. در این بخش، قبل از آزادی در حدود یک میلیون هواکیاوها یا آنچنانکه در ویتنام نامیده می‌شوند. هواها به سر می‌برند در این نشریات گفته می‌شود که وضع چولون بحرانی است

و تنها بانگ هداری واحد های بزرگ نیروهای امنیتی ویتنام در آن بخش می‌توان از تظاهرات آشکار ضد حکومتی جلوگیری کرد. یک زمانی در هانوی، من بایک کارگر غربی ملاقات کردم او مرا از رفتن به چولون به دلیل امنیتی منع کرد. و اینک در چولون هستیم. اتومبیل ما از مقابل بنای یادبود آموزگار خردمند، کنفوسیوس، و از مقابل فروشگاه مرکزی می‌گذرد و در خیابان تان سوآن (رایحه بهار) توقف می‌کند. زندگی کاملاً عادی است. مردم به کارهای خانگی روزانه شان مشغولند، دختران مدرسه بانوارهای مخصوص پیشاهنگان جوان به منازل خود بازمی‌گردند، صاحبان رستوران های کوچک از مشتریان خود پذیرائی می‌کنند، و دستفروشان با صدای بلند برای کالا های خود بازار گرمی می‌کنند. همان تصویری که در نواحی چینی نشین کولالا، هور، بانکوک، سنگاپور و مانیل به چشم می‌خورد هیچ نشانی از تنش موجود نیست، هیچ اثری از واحد های بزرگ نیروهای امنیتی وجود ندارد. من تنها یک پلیس دختر را با او نیفرم گرم رنگ دیدم که مشغول تنظیم ترافیک شهروهدایت جریان سیل آسای دوچرخه سواران و کامیون های دیزلی می‌بود. وقتی از ترجم خود می‌پرسم که آیا می‌توانم در امتداد خیابان قدم بزنم. او با تعجب می‌گوید: البته، در کدام خیابان می‌خواهید قدم بزنید؟ هر خیابانی را مایل باشید می‌توانید اما به خاطر داشته باشید شما ۳۵ دقیقه دیگر یک قرار ملاقات دارید.

طی ۳۵ دقیقه ای که در خیابان های چولون قدم زدیم موفق شدم دوباره با مردم محلی که لهجه شمالی مرا تشخیص دادند صحبت کنم (بیشتر هواکیاوها در ویتنام و در کشورهای شمال شرق آسیا به زبان کانتون یا فوجیان صحبت می‌کنند). من هیچ اثری از سوئیت یا دشمنی در آنها مشاهده نکردم.

کارخانه کوتی مای (که به معنی شرکت دوزندگان است) در اواخر سال ۱۹۷۶ تأسیس شد. این یک مؤسسه تولیدی تعاونی است که در مالکیت همه کارگران می‌باشد. نخست فقط ۲۶ خیاط در تعاونی بودند. دولت یک منزل مسکونی خالی و مقداری قماش در اختیار آنها قرار داد اعضای تعاونی - که همه آنان قبلاً خیاطان مستقل بودند - ماشین های خیاطی خود را آوردند و کار را آغاز کردند همه چیز با سرعت پیشرفت کرد. شرکت صادرات دولتی تکسیم پکس موافقت نامه ای برای تولید پیراهن های مردانه برای اتحاد شوروی، مجارستان، آلمان غربی و سوئد با تعاونی بست. شرکت دوزندگان که اینک لیست سفارشات آن برای سالهای آینده پر بود - به سرعت کار خود را گسترش داد. اکنون بیش از ۱۲۰ کارگر، که نیمی از آنها چینی هستند در آنجا کار می‌کنند. آنها تصمیم دارند تا پایان سال ۸۰ وزنده د بگزنن استخدام کنند و تا سال ۱۹۸۱ اعضای تعاونی به ۴۰۰ نفر خواهد رسید. اکنون در کارخانه ابزار مدرن خیاطی با قابلیت تولیدی زیاد بکار می‌رود دیگر ماشین های خیاطی آغاز کار خبری نیست.

لی گوی جای رئیس دایره بازرسی فنی، که چینی الاصل است، تأکید می‌کند: "ما به کیفیت کالا ها توجه خاص داریم. ما میفهمیم که اعتبارها و سفارشات جدید به کیفیت کالا ها بستگی دارد. تا همین اواخر من خود یک مغازه خیاطی داشتم و باید بگویم که محصولات کوتی مای پست تر از محصولات کارگران سابق نیست. ما تا بحال حتی یک شکایت از خارج نداشته ایم و من از این موضوع خوشحالم. من همچنین با خیاطان زن که اکثر آنها دختران جوان هستند صحبت کردم. آنها متحد از تعاونی تعجب می‌کنند. لی گوی جای می‌گوید: "وقتی من یک خیاط مستقل بودم بعضی اوقات بیش از ۲۰ الی ۲۵۰ دنگ - که هم اکنون در کارخانه کوتی مای در می‌آورم - درآمد داشتم. اما غالباً درآمد من از این مقدار کمتر است. کار در تعاونی مزایای ویژه ای دارد. برای مثال، تعاونی پزشک مخصوص دارد و این موضوع برای کارگران پیری مانند من بسیار حائز

اهمیت است. ماهگی به اتحادیه کارگری که کمک پزشکی در اختیارمان می‌گذارد ملحق شدیم. تعاونی برای کارگران جوان یک کلوب و یک تیم ورزشی ایجاد کرده است. یک کارگر ۹۰ ساله به نام چوون آن بن می‌گوید: "دختران ما خیلی خوب با هم کنار می‌آیند، اگرچه بسیاری از آنها از جمله خودم چینی الاصل هستیم. در ابتدای کار برخی همسایگان، ما را از رفتن به تعاونی ها بر حذر می‌داشتند. سپس به ترساندن ما و ایجاد انواع مزاحمت ها برای ما دست زدند. ولی من به این تهدیدات اعتنائی نکردم و متأسف هم نیستم - من سه سال در کوتی مای کار کرده ام، در این مدت در ماه حدود ۲۰۰ دنگ درآمد داشته ام که برای دختری به سن من کاملاً مناسب است. پدر من که یک دستفروش است. ۵۰ دنگ کتزاز من در می‌آورد. ولی موضوع اصلی این است که من اینک خود را یک عضو تمام عیار جامعه حس می‌کنم. من به سازمان جوانان هوشی مینه به اتحادیه کارگری ملحق شده ام. نه خودم و نه هیچیک از دوستان چینی من به حکومت بدگمان نیستیم اگرچه - همانطور که می‌دانید - بعضی حوادث ناگوار در چولون رخ داده. این حوادث سال قبل هنگامیکه چینی ها را به ترک ویتنام تشویق می‌کردند اتفاق افتاد، حتی برخی از هم کلاسی های سابق من تصمیم به فرار گرفتند، من برای آنها بسیار متأسفم. تعداد زیادی از پناهندگان در دریا غرق شدند، بسیاری نیز به دست دزدان دریایی شکار شدند. و به هر صورت من معتقدم به اندازه کافی آدم بیکاره در غرب وجود دارد. ویتنام زادگاه من است و من به کشور خود افتخار می‌کنم. چیزهایی که من در شهر هوشی مینه دیده ام نشان می‌دهد که سوسیالیسم در خاک ویتنام جنوبی ریشه های عمیقی دوانده است. اکنون در این کشور نه تنها ریشه های سوسیالیسم، بلکه میوه های زود رس آن دیده می‌شوند این یک واقعیت است که نواحی شمالی و جنوبی کشور یک ارگانیک واحد را تشکیل داده اند. ویتنام سوسیالیستی متحد و مستقل در جاده ای که بوسیله هوشی مینه نشان داده شده، پیشرفت می‌کند.

من درباره پیروزی هایی که در امر ساختمان سوسیالیسم در ویتنام حاصل شد و مشکلاتی که در برابر کمونیست های ویتنام قرار دارد و نیز طرح های آنها برای حل این مشکلات در گفتگویی که با فام وان دینگ، عضو قترسیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام و نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام داشتم، آگاه شدم. ما در یک اتاق وسیع در کاخ ریاست جمهوری با هم ملاقات کردیم. فام وان دینگ از تأثیرات حاصله از سفر من در اطراف کشور و ملاقات من با مردم عادی پرسید. او سپس گفت: "در ویتنام اینک حالت صلح و خطر جنگ در کنار هم وجود دارند و در هر زمان ممکن است دشمنی ها از سر گرفته شوند. زیرا هنوز توسعه طلبان پکن با بی شرمی آشکار از دادن درسی دیگری به ویتنام سخن می‌گویند. بنابراین حزب، نیروهای مسلح و همه مردم دائماً در حال آماده باش به سر می‌برند تا نقشه های تجاوزکارانه و خرابکارانه دشمن را در هر شرایطی درهم شکنند. مردم ما در عین دفاع از کشورشان به انجام هر تلاشی برای فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی، برای بالا بردن تولید و ازین طریق بهبود شرایط زندگی مردم و برای گسترش دامن انقلاب سوسیالیستی در سراسر کشور آماده اند.

فام وان دینگ تأکید کرد: "ما مطمئنیم مردم ما تا پایان سال ۱۹۸۰ با تکیه بر منابع عظیم ویتنام، اشتیاق کارگری از خود گذشتگی و استعداد خلاقه خود و نیز کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر و همه دوستان - ما در سراسر جهان گام مهمی در ساختمان و دفاع از کشورمان به جلو برخواهند داشت."

من کلماتی حاکی از حقیقت شناسی از اتحاد شوروی بخاطر کمک برادرانه چند جانبه به ویتنام را بی افراق در همه جا، نه تنها از زبان نخست وزیر دیگر رهبران ملی، شنیدم بلکه، کارگران، دهقانان و روشنفکران از من خواستند تا در رود های گرم و تشکرات صمیمانه آنها را به مردم شوروی برسانم. سندن تازه دوستی نزدیک و همیاری شریک اتحاد شوروی و ویتنام سفر موفقیت آمیز سفینه فضائی سایوز ۳۷ است که خدمه بین المللی آن و یک کورگوریا تکو (فرمانده از اتحاد شوروی) و دانشمند محقق بنام فام توان تبعه جمهوری سوسیالیستی ویتنام بودند. مردم ویتنام هنوز با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم

آزربایجان "باشور و هیجان بیمانندی تصویر شده است اود ریشتر آثار خود بر قهرمانان جنگ دوم جهانی که سمیانه با فاشیسم جنگید فاند، سیما ی جاود انهمی بخشد. در اشعار به یاد آمد "بنفشه"، "بلبل"، "بویزه در" فلسفه حیات اندیشه اش را در باره زندگی بازمی گوید. سبک صمد و رغون موجز است. جمله های کوتاه و کلام بسیار زیبایش در شعر معاصر آزربایجان تأثیر گذاشته است.

و رغون غیر از اشعار گوناگون، مقالاتی نیز در باره نظامی گنجوی، پوشکین، مایاکوفسکی، گورکی و نویسندگان دیگر نگاشته است.

صمد و رغون در ۲۲ ماه مه ۱۹۵۶ در شهر باکو بدرود حیات گفت.

آورد. در چنین شرایطی بود که صمد و رغون بزرگ می شدند. رشد می یافت و شعور و شخصیت دوران جوانیش شکل می گرفت صمد در باکو درس خواند و پس از پایان تحصیلاتش به درس دادن پرداخت. نخست تحت تأثیر عاشقها بود، بعد با آثار فضولی، نسیمی، واقف و همچنین با آثار نظامی و دیگران آشنا شد، جدی کار کرد و به سرودن شعر پرداخت و نخستین اثرش را در سال ۱۹۲۴ به چاپ رساند، در سال ۱۹۲۹ در دانشگاه ایالتی مسکوه تحصیل ادامه داد و پس از پایان این دوره به عضویت آکادمی علوم آزربایجان شوروی درآمد. صمد و رغون خلق و میهن بزرگ خود را صمیمانه دوست می دارد. عشق و علاقه اش به سرزمین مادر زادش در شعر

صمد یوسف اوغلی وکیل اف متخلص به و رغون در ۱۲ ماه مه ۱۹۰۶ در دهکده های در آزربایجان شوروی چشم به جهان گشود. در آن تاریخ، انقلاب که در روسیه باناکامی روپوشده بود، تجربه بزرگی می اندوخت. اقبانوس خلق از درون می جوشید، طبقه کارگر که به رهائی خود و سایر زحمتکشان از زیر دست بهره کشی می اندیشید و آرزوی زندگی بهتری را در سر می پروراند، خستگی ناپذیری می آموخت. آگاهی خود را مدام افزایش می داد. در جریان مبارزه عینی قابلیت، مهارت و ورزشی پیدا می کرد، در درون خود به وحدت و یکپارچگی می رسید و بدین سان می توانست در هفتان انقلابی را با خود متحد سازد و بر تزاریزم و سرمایه داری ضربه قطعی وارد

چین گفتندم...

موهایش سپید سپید، در حسرت،
کوئی برگ خزان، در واپسین بهار عمر.
اما قلب در سینه اش می تپد.
و با خود می گوید:
"سحر به رویم خواهد خندید"
امید! آن مهربان پری زیبارو
به یاریمان خواهد شتافت.
امروز دست فرزندی از جبهه برگشته را
فشردم.
آرزوی پاک و مقدس را
در دیدگان او دیدم.
گاهی، شامگاه که به خانه بازمی آمی،
خیالت تنهاییم نمی گذارد.
آنکاه که پسر مرا از سر محبت می بوسم،
تو را در چشمانش می بینم...
سالها می گذرد، روزگار خوش فرامی رسد،
روز سپید بر میهن می دم.
انسانها به عشق بهر روزی
جشنی می آریند و در بارهات
لب به سخن می کشیند...
اینک، آینده در چشمانم می خندد.
پیکری شکوه مند در برم قد برمی افرازد...
گرداگردش باغچه های پر گل و شکوفه،
در کنارش فواره بر آسمانها سرمی کشد.
انسانها دسته دسته نگاهش می کنند...
او کیست؟ قهرمانی کف نام.
قلب مادرش، زمان.
آفرین بر فرزند اصیل زمان!
در عفوان جوانی جان دادی.
نامت به یمن بهر روزی، بر سنگ حک شد...
اکنون برادر! واپسین سخنان
بر پیکر از مرمر تراشیده ات
نقش بسته است.
"خلق می داند که تو از آن منی،
سرزمینم، آشیان و مسکن من،
مادر من، زادگاه من توئی،
جدائی کی پذیرد کالبد از جان،
آزربایجان، آزربایجان!"

۱۹۴۳ مه ۲۶

همیشه همراه من است.
از من چه می خواهد...
دوست زیبا! بگذار همگان
سخنم را بشنوند.
این شعر از دل برآمده
به سان عشق تو مقدس است.
غم همزاد انسان است،
در واپسین دم، که به یاد میهن بودی،
رودخانه لحظه های از جریان باز ایستاد
تو در آتش عشق مردانه سوختی،
و من سیما ی تو را در شعله های بینم.
*
سینه عقاب گونه، چهره مهربان و پاک تو،
همواره پیش دیدگان من است.
بگذار ستارگان در دامنه اش
گردشت دهند،
جای پایت در آسمانها باقی بماند.
نه، نه! ستارگان از زمین دورند،
نامت را بر آسمانها نخواهند نوشت...
حرکت شایسته انسان است،
پیکر معصوم در کنار ماست!
اگر جدا از هم دور باشیم،
هنوز تاج افتخارت را به سر داریم...
*
برادر! جای پایت را
در کوهها و دشتهای بینم.
پری کوهساران، دختر کوهستان را می بینم
که عاشقانه چشم به راه توست.
و اینک آن پیرزن دنیا دیده
که چشمانش را ز دار انتظار است.

از جوانی ناپدید و نا آشنا
و شیفته شعر
خاطره های برایم گفتند:
"قهرمانی از خلق ما،
یک زخمی جنگ،
در واپسین دم حیات
به یاد تو بود.
و دریا گونه به خروش آمد:
"دکتر، دکتر، مهلتی!
بر زنده ماندن گمانی نیست...
می دانم که خواهی مرد...
سخنم را در واپسین دم گوش کن!
بگذار برای آخرین بار
بندی آرزو ده های و رغون را
برایت بخوانم.
این ترانه را بشنو
و بگذار سراسر دنیا را در زور د:
"خلق می داند که تو از آن منی،
سرزمینم، آشیان و مسکن من،
مادر من، زادگاه من توئی.
جدائی کی پذیرد کالبد از جان،
آزربایجان، آزربایجان!"
این آخرین سخن بر لبانش جاری شد
و چشمان سیاهش را فرو بست...
*
دیگریس است، لختی درنگ کن!
خبر بصیبت کوتاه بهتر.
همه عالم خوب می دانند
که من شاعر روزهای سپیدم.
تنها ز شنیدن خبر بد،
چون دریا به تلاطم می آمی،
به سان بیابانهای تشنه،
باغ خاطر من شکوفه نمی کند.
اکنون ماهها از این ماجرا می گذرد.
در جانم توفانی برپاست.
هر جا که می روم، به هر چه می نگرم،
بر زمین و آسمان که نگاه می کنم،
آن قهرمان ناپدید و نا آشنا
دیده بردیدگانم می دوزد...
بقیه از صفحه ۱

روزه های تازه ای...

آمریکا هنگامی با ملت ایران "آشتی" می کند که انحصارات چند ملیتی وی به غارت بیدریغ نیروی طبیعی و انسانی مامشغول باشند و در سرزمین ما هیچ آوایی به اعتراض از تالانگریهای زالوهای عوسام بر نیاید.
مطبوعات وابسته به انحصارات امپریالیستی آمریکا ساعتی پس از پرواز جاسوسان از ایران به دستور "سیا" یک صدا با حمله به جمهوری اسلامی ایران و توهین به رژیم انقلابی ما خواستار تجدید نظر در قرارداد آزادی جاسوسان شدند.
اینک بازنگران سیایی پس از دیگری به صحنه می آیند. نخست جاسوسان آزاد شده یک سال پیش به یاد صاحب، مطبوعاتسی افتادند و از "شکجه های" دوران اسارتشان که گویا تاکنون "صلحت" نبود از آن

یاد آور شد که هم اکنون هفت کشتی حامل تسلیحات سنگین جهت این تیپ در اقیانوس هند مستقر شده اند. و افزون بر تیپ تفنگداران دریایی برای همین هدف تشکیل شده است مجموعه این واقعات نشان می دهد که امپریالیسم آمریکا و کوچک ابدال های وی از تغییر متناسب نیرو در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک سخت به وحشت افتاده اند.
امپریالیسم آمریکا به هیچ وجه نگران تنی چند از جاسوسان بیمقدار خود نبوده و نمی تواند باشد. این ژاندارم خلقها و ملتها فقط نگران از دست رفتن قلمروهای خویش است. تا زمانی که قلوب توده های میلیونی مردم مادر راه آزادی و رهایی از نظام خونین استعمار سرمایه داری می تپد، امپریالیسم از توطئه و فتنه انگیزی علیه ماد دست نخواهد کشید.
روزه های امپریالیسم آمریکا به خاطر خصلت ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران است

بسیار دقیق تمام سندهایی که به امضا رسیده از جانب دولت جدید و زمزمه تجدید نظر در موافقت نامه منعقد در مطبوعات نشا - نهایی از توطئه انحصارات بانکی و سیا برای اخلال در اجرای مفاد قرارداد است.
۲- توجیه حضور دراز مدت و نامعلوم واحد های ناوگان های آمریکایی در آبهای خلیج فارس.
چنانکه می دانیم آمریکا همچنان به آماده ساختن نیروهای خود برای عملیات در منطقه خلیج فارس مشغول است. مانورهای چهار روزه نیروهای سریع انتقال آمریکا در ایالت کالیفرنیا آغاز شده که از لحاظ شرایط طبیعی شبیه اوضاع طبیعی خلیج فارس و خاور نزدیک است. شش هزار تن از نظامیان یعنی نیمی از نفرات تیپ تفنگداران دریایی در این عملیات نظامی شرکت دارند. سخنگوی تیپ هفتم ضمن اشاره بی پرده به این نکته که تفنگداران دریایی در صورت لزوم می توانند از راه هوا به این مناطق منتقل شوند،

سخن بگویند، داستانها پرداختند.
این مصاحبه که ماهها در کارگاه های سیا تمرین و آماده شده است، قرار است "مقدمات" روانی نقشه های پس پرده" سیارا تدارک ببیند.
به دنبال این مصاحبه، مطبوعات آمریکا با دامن زدن به هیستری ضد ایرانی بی پرده می نویسند: آمریکا باید ایران را از صفحه کیتی محو کند، بیاثید ایران را بمباران کنیم.
امپریالیسم آمریکا با این صحنه سازیهای تبلیغاتی که در روزهای آینده پس از انتقال گروهانها به آمریکا ابعاد گسترده تری خواهد یافت و هدف اساسی راتعقیب می کند:
۱- تا آنجا که ممکن است حداقل باز - گرداندن سریع سپرده ها را به تعویق اندازد، زیربانک های آمریکایی که برای کسب منفعت این سپرده ها را به جریان انداخته بودند، از انتقال سریع آنها "مضرر" می شوند.
مطرح شدن مسأله "مطالعه و بررسی

کشورهای در حال توسعه از نقطه نظر استراتژی سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا

جالب است که در این دوره برزیل در دست درآستانه اوجگیری جنبش انقلابی در ایران طرح مصروف خود درباره "کمانه" عدم ثبات از تحریکات ناآرامی را مطرح کرد و طبق این طرح خواستار آن شده که نیروی نظامی آمریکا طبق وظایف تأمین امنیت این منطقه آرا پیش داده شوند. در چنین شرایطی دولت آمریکا پیشنهاد های مربوط به غیرنظامی کردن منطقه اقیانوس هند را رد کرد و تقویت و گسترش نیروهای نظامی خود در این منطقه را آغاز نمود و پایگاه های نظامی هوایی و دریایی خود در ناحیه اقیانوس هند را توسعه داد. در کره جنوبی نیز طرح های مربوط به خروج نیروهای نظامی آمریکا فراموش نشد. در مناطق دیگر جهان نیز به جای تقلیل و محدود کردن پایگاه های نظامی نیروهای مسلح آمریکا افزایش یافت و پایگاه های دریایی و هوایی جدید تأسیس گردید. از آنجمله در دیکوگارسیا، عمان، کوبا و سومالی.

در مورد کمک های نظامی و فروش تسلیحات نیز همین سیاست اجرا گردید، یعنی به جای محدود کردن این کمکها و فروش تسلیحات، مقیاس آن وسیع تر شد. با وجود اینکه تجربه انقلاب ایران ثابت نمود که رژیم های ضد خلقی و دیکتاتوری دست نشانده را حتی با ذخایر عظیم تسلیحات گران قیمت مدرن هم نمی توان از سقوط نجات داد و ثبات به شیوه آمریکائی در این کشورها را حفظ نمود، اما سیل تسلیحات آمریکائی به اینگونه کشورها ادامه یافت. میزان فروش تسلیحات آمریکا در سال ۱۹۸۰ به کشورهای خارجی به ۱۳/۱ میلیارد دلار رسید که بخش اعظم آن به کشورهای خاور نزدیک و میانه، جنوب لاتین صادر گردید. بدین ترتیب در مجموع سیاست آمریکائی نسبت به کشورهای در حال رشد مانند دوران تجاوز آمریکا به ویتنام، ملاحظاتی زوچولستیک و استراتژی نظامی نفوذ یافت و چنانکه دیپلمات معروف آمریکائی گمان در این باره گفته است: میلیاردها دلار در اختیار آمریکا قرار گرفته است، تنها تغییری که در سیاست دولت آمریکائی نسبت به کشورهای در حال توسعه پدید آمد مسئله "دفاع از حقوق بشر" بود که از جانب هیئت اداری کارتر مطرح گردید. طرح این مسئله که بطور عمده از سمت آنتی کمونیسم بود این هدف را دنبال می کرد تا به گونه ای لکه های ننگ را از دامن ایالات متحده آمریکا بکنهد. متحد رژیم های ارتجاعی دیکتاتوری نظامی - پلیسی در کشورهای آسیا و اقیانوس جنوبی، کره جنوبی، شیلی و نیکی را گوته بزاید و آمریکا را در برابر جهانیان با چهره های تازه و تطهیر شده جلوه گری سازد.

از نقطه نظر سیاسی هدف آن بود که با عناصر بورژوازی ملی در کشورهای در حال توسعه که مخالف رژیم های دیکتاتوری نظامی افراطی هستند و طبیعتاً از انجام انقلاب های اجتماعی اصیل و موکراتیک نیز بیگانه اند، نقاط تماس حاصل شود. به دیگر سخن این یک شی نازه ای بود میرای آنکه کشورهای در حال توسعه به راه رشد سرمایه داری بورژوازی و موکراتیک ترغیب و کشانده شوند. در چهارچوب کارزار تبلیغاتی در دفاع از حقوق بشر که هیئت اداری کارتر به راه انداخت اطمینانهای فراوانی در این باره داده شده که گویا حالا دیگر ایالات متحده آمریکا از نگرانی و وحشت دیوانه وارد برابر خطر کمونیسم رهائی یافته، آن خطری که آمریکا را از آن نگرانی کرد هر دیکتاتوری را که در وحشت

از این خطر با مشرک بود در آغوش خود پناه داد. به خاطر آنکه این برخورد جدید ایالات متحده آمریکا مورد قبول قرار گیرد به چند اقدام عملی دست زد. از جمله درباره کاهش کمک های نظامی آمریکا به آرژانتین و اوروگوئه اعلام گردید. و پرونده قتل وزیر کشور شیلی لد تریر که به دستور پینوشه در ایالات متحده آمریکا انجام گرفت به جریان افتاد و نیز محدودیتهائی در کمک های نظامی به پاکستان منظور گردید.

هیئت اداری کارتر تا آخرین روزهای حاکمیت نیز زوفاداری خود به دفاع از حقوق بشر سخن می گفت. اما چنانکه در روزنامه آمریکا - نیویورک تایمز" خاطر نشان شده است: کارتر مانند موعظه گرا خلاقیات عالی به کارتر مجری سیاست سلطه جوانه تبدیل می شود. عملاً در سیاست ایالات متحده آمریکا به ویژه پس از رویداد های ایران و نیکی را گوته آن مشی تفوق می یابد که توصیه های اصلاحی سیاسی و اجتماعی مواضع متزلزل رژیم های دوست با ایالات متحده آمریکا را در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین بی ثبات تر و سست تر کند.

طبیعی است که این تغییر سمت در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا با پیچ و خمها و نشیب و فرازهایی همراه است. و به همین جهت مثلا پیشنهاد هیئت اداری کاخ سفید در مورد گسترش کمک های نظامی آمریکا به رژیم ضیاالحق در پاکستان در رکنه با مقاومت روبرو شد و از جانب مطبوعات کشور مورد نکوهش قرار گرفت. بطوریکه روزنامه "نیویورک تایمز" در این باره نوشت: پیشنهاد غیرضروری کارتر درباره کمک نظامی به پاکستان که در حال حاضر بوسیله یکی از بدترین نوع های رژیم دیکتاتوری اداره می شود. سیاست قبلی وی را در مورد امتناع از کمک های نظامی به اینگونه رژیمها، به استهزا می کشاند. هیئت اداری کارتر برای مقابله با چنین مخالفتی دلایل کهنه شده درباره اهمیت ویژه این یا آن کشور برای امنیت ملی آمریکا را ارائه می دهد.

در ایالات متحده آمریکا گرایشهای مشخص به چشم می خورد مبنی بر اینکه روابط با کشورهای - های در حال توسعه با پشتیبانی و در صورت امکان با اتحاد کامل با دیگر کشور - های سرمایه داری عمده برقرار گردد. در شرایط حاضر ایالات متحده آمریکا از این پندار گرائی به دور است که گویا به تنهایی می تواند کشورهای در حال توسعه را به دنبال خود بکشد و این کشورها نیز این حق "رهبری" را برای ایالات متحده پذیرا شوند. در شرایط معاصر اندیشه تقسیم جهان سرمایه داری به حیطه نفوذ نیز خطرناک شده است، چراکه چنین تقسیمی می تواند موجب تفرقه و پراکندگی جهان سرمایه داری شود. در اسناد رسمی که در سال ۱۹۷۳ بنابه ابتکار ایالات متحده آمریکا از جانب کمیسیونی سه جانبه تنظیم گردید، بطور مکرر و صراحتاً تأکید شده است که جهان سرمایه داری روابط خود با کشورهای در حال توسعه را باید به مثابه واحد یگانه برقرار کند و نباید این روابط بنابه تقسیم بندی گروه بندی منطقه ای باشد. به همین علت است که در کنفرانس سال ۱۹۷۵ سران کشورهای سرمایه داری عمده، طرح وتدوین استراتژی واحد جهان غرب در روابط با کشورهای در حال توسعه از مهمترین مسائل مورد بحث در این کنفرانس بود. طبیعی است که ایالات متحده آمریکا در این مورد تلاش نمود برای خود "حق ویژه" دستیابی آزاد به آن مناطقی را

کسب کند که در آن مناطق کشورهای اروپای باختری و یازدهین دارای نفوذ برتری هستند، از سوی دیگر به نسبت کسب اهمیت بیشتر جنبه های نظامی - استراتژیکی روابط ایالات متحده آمریکا با کشورهای در حال توسعه، گرایش اقدام در جبهه واحد در برابر کشورهای در حال توسعه به زمینه نظامی هم سرایت کرد. در سال ۱۹۷۸ در این سمت یک اقدام مشخص به عمل آمد این اقدام زمانی بود که در ایالت شایباد رژیم بر علیه رژیم موبوتو قیام تود های انجام گرفت. طبق تقاضای موبوتو نیروهای مشترک پیمان ناتو یعنی واحدهای نظامی بلژیک، فرانسه و آمریکا در سرکوب این قیام شرکت کردند.

برنامه سیاسی - نظامی جدید ایالات متحده آمریکا مانند دوران گذشته رزانه سال نواز جانب رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا طبق معمول بدون مشورت قبلی با متفقین خود اعلام گردید. تلاش ناموفق برای آزادی گروه گانهای آمریکائی در ایران با توسل به نیروی نظامی که در ماه آوریل سال گذشته نیز انجام گرفت بدون توافق قبلی با متفقین آمریکا بود در صورتیکه این تلاش می توانست به تصادمات نظامی گسترده ای بیانجامد. اما با وجود این بطور کلی ایالات متحده آمریکا پیش از هر زمان سعی دارد که نه تنها حسن نظر کشورهای عمده سرمایه داری را نسبت به ماجراجویی های نظامی که آمریکا در مناطق مختلف جهان انجام می دهد جلب کند بلکه می کوشد که آنها نیز در این ماجراجوییها مستقیماً شرکت کنند. در رابطه با همین مطلب مثلاً جالب توجه است که کارتر پس از چند روز از اعلام خود متذکر شد که "مدد رحال حاضر ونه در آینده ایالات متحده آمریکا نمی تواند نیروی نظامی و حضور نظامی کافی برای آنکه به تنهایی از خاور نزدیک و خلیج فارس دفاع نماید، داشته باشد". وزیر دفاع آمریکا براون ضمن تشریح و مشخص تر کردن این اظهارات در فوریه سال گذشته خواستار گسترش حضور نظامی انگلستان در منطقه خاوری سوئز شد و اهمیت تمرکز واحدهای بزرگی از نیروهای نظامی فرانسه را در منطقه جیوتی متذکر گردید.

این سیاست در عمل به صورت فشار سیستماتیک ایالات متحده بر متفقانش منظور پشتیبانی کامل از قرارداد کمپ د بوید شرکت در مجازاتهای اقتصادی و سیاسی بر ضد ایران، شرکت در برداشتن سهمی از "بار" حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، پشتیبانی فعال از اقدامات ضد شوروی آمریکا در رابطه با حوادث افغانستان انجام می گیرد. البته سایر دولتهای بزرگ سرمایه داری و قبل از همه کشورهای عمده عضو ناتو و همچنین ژاپن در شرکت مستقیم در اقدامات ایالات متحده بدان نحو که آمریکا - ها انتظار دارند، آمادگی نشان نمی دهند. ایالات متحده به منظور تهیه پایه "تئوریک" برای دورزدن این مانع، تئوریک "ارتباط متقابل" سه منطقه اصلی امنیت یعنی اروپای غربی، خاور دور و خاور نزدیک را مطرح ساختند. بدینگونه که برزیل در سخنرانیهای خود تأکید می کند "این مسئله پیوسته دشوارتر می شود که بتوان توجه به قلمرو امنیت را به یک ناحیه محدود جغرافیائی منحصر ساخت. برزیل در اینجا نتیجه می گیرد که وظایف پیمان ناتو نیز باید تغییر کند.

البته کتر کسی این پیشنهاد را مطرح می کند که باید اساسنامه پیمان ناتو را تغییر داد و تمام کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای

لاتین را در حیطه عمل این پیمان وارد نمود. شاید تنها اشتراک لید را احزاب مخالف در جمهوری فدرال آلمان است که صراحتاً درباره "سود مند بودن چنین عملی سخنان گفته است. توصیه های ایالات متحده بیشتر این هدف را دنبال می کند که بتوان اساسنامه پیمان ناتو را نادیده گرفت. در ارتباط با این مسئله اندیشه تقسیم نقشها در داخل پیمان ناتو مطرح می گردد. بر پایه این اندیشه، دولتهای عضو پیمان ناتو باید از طریق اقدامات موازی و هم آهنگ، لیکن اقداماتی که بر حسب خصلت خود مختلف هستند منافع نظامی - استراتژیکی غرب را در کشورهای در حال توسعه توأماً تأمین کند. دولتهای اروپای غربی عضو پیمان ناتو بنا به اظهارات کریستوفر معاون وزارت امور خارجه آمریکا باید علاوه بر آنکه پایگاه های خود در حوزه اقیانوس هند را در اختیار ایالات متحده قرار می دهند. به این کشور در دستیابی به پایگاه های دیگر برخی از کشورهای خاور نزدیک که دولتهای اروپای غربی با آن کشورها روابط بخصوص نزدیکی دارند کمک کنند و همچنین این "حق را برای ایالات متحده تأمین کنند که بتواند از فراز حریم هوایی سرزمین های مختلف پرواز کند". علاوه بر این پیش بینی می شود که در مسئله توسعه برنامه های کمک نظامی به کشورهای مختلف در حال توسعه تقسیم مسئولیت انجام گیرد. به نحوی که مثلاً ایالات متحده بتواند توجه خود را به واگذاری سلاح به عربستان سعودی و مصر و کشورهای عضو سازمان مشترک به پاکستان متمرکز سازند. و سرانجام توجه ویژه ای به این مطلب مبذول می شود تا کشورهای اروپای غربی عضو پیمان ناتو مسئولیت تکمیل و تقویت نیروهای مسلح این پیمان را در صورتیکه بخشی از نیروهای مسلح آمریکائی این پیمان به منطقه خاور نزدیک و میانه انتقال یابند، از راه افزایش نیروهای مسلح و تسلیحات خود به عهده بگیرند.

خاطر نشان کردن این مطلب حائز اهمیت است که این روش ایالات متحده آمریکا در پیمان ناتو تنها برای حوادث احتمالی در خاور نزدیک و میانه بلکه برای سایر نقاط جهان نیز پیش بینی شده است. مثلاً در ناحیه دریای کارائیب نیز آمریکا سعی می کند چه در زمینه سیاسی و چه از لحاظ تشکیل واحد - های نیروی دریایی مشترک به منظور کنترل بر این منطقه انگلستان را به همکاری جلب نماید. ایالات متحده آمریکا نسبت به ژاپن هم چنین سیاستی را اعمال می کند. در سالهای ۷۰ برزیل در کتاب خود تحت عنوان "شاخه گل شکننده" مسئله شرکت فعال و وسیع ژاپن را در برنامه ریزی های نظامی - استراتژیکی ایالات متحده آمریکا مطرح کرده است. و حالا ایالات متحده آمریکا با تعبیر و تفسیر سلیط "پیمان امنیت آمریکا و ژاپن موفق شده است که توافق ژاپن را برای استفاد از پایگاه های نظامی آمریکا در سرزمین ژاپن جهت پشتیبانی و تقویت عملیات نظامی خود در منطقه خاور نزدیک و میانه به دست آورد. در همین حال ژاپن متعهد شده است که کمکی نظامی به پاکستان را به میزان قابل توجهی افزایش دهد و در اقدامات تنبیهی علیه ایران شرکت کند. ایالات متحده آمریکا نیز شعار "تقسیم مسئولیت" و به استناد رویداد های منطقه خلیج فارس و خطرواھی از جانب اتحاد شوروی صراحتاً از ژاپن می - خواهد که اعتبارات هزینه نظامی و نیروهای مسلح خود را افزایش دهد در صورتیکه این اقدام با قانون اساسی ژاپن تناقض کامل دارد. (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱

اطلاعاتی پیرامون

دارند، به عنوان موسسان "جامعه مذ هبی" به مقامات مربوطه حکومتی مراجعه کرده. جامعه را رسماً به ثبت برسانند. اما اگر همه آنها از بیست نفر کمتر باشد، می توانند گروه مذ هبی "تشکیل داده به ثبت برسانند. در هر حال، به ثبت رساندن جامعه یا گروه مذ هبی، پیروان را از لحاظ دفاع قانونی زمین می کند و آنها را در ریناه قانون قرار می دهد.

مسلمانان اتحاد شوروی به وسعت از حقوقی، که قانون اساسی به آنها داده است استفاده می کنند. مساجد، که مرکز فعالیت دینی آنهاست، نه فقط در مناطق سنتی رواج اسلام، یعنی در آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، تاتارستان، ترکمنستان، قرقیزستان، قره چای و چرکستان، گاریادین و بالکارستان، کازاخستان، بلکه همچنین در شهرهای اصل روسی مانند مسکو، لنینگراد، اولیانوفسک، روستف کناردن، گورکی، کوی-بیشف و همچنین در ارمنستان، گرجستان و جمهوریهای خود مختار مورد و او، اودورتی و چوایشی مفتوح اند. مساجد در همه جا با پیروی از تعالیم قرآن و سنت و رهنمودهای مراکز مذ هبی خود کار و فعالیت می کنند. مجموع اعانات سالانه که از دینداران جمع آوری می کنند، برای پرداخت مواجب و شهریه علمای مساجد و خدمتگزاران آنها، کارمندان انجمن های روحانیون، برای هزینه های حفظ و نگهداری، نظافت و ترمیم مساجد، برای آموزش و پرورش دانشجویان و علمای مذ هبی، چاپ و انتشار کتابها و رسالات دینی و انجام ارتباطات گسترده بین المللی کاملاً کفایت می کند. گذشته از اینها، اتحادیه های مذ هبی و مراکز دینی امکان می یابند هر ساله مبالغ هنگفتی را در طلبانه به صندوق صلح اعانه دهند، یا برای مرمت و نوسازی یا دمانهای معماری اسلامی خرج کنند بطور کلی درآمد های اتحادیه های مذ هبی طبق قانون از هرگونه مالیات معاف است. خود مومنان کلیه امور اتحادیه های مذ هبی را رتق و فتق می کنند. عبادت کنندگان هر مسجدی برای این منظور از میان خود سه نفر معتمدترین افراد را بر میگزینند که ارکان اجرائی یا متولیت مسجد را تشکیل می دهند، متولیت مسجد همه فعالیت های مذ هبی و امور اتحادیه دینی را رهبری می کند، امور مالی و مادی را تنظیم و ترتیب می دهد، کتب دینی، رسائل و ادعیه متعلق به مسجد را حفظ و حراست می کند و در تماس با سایر جوامع و اتحادیه ها همچنین با مقامات حکومتی نماینده اتحادیه مذ هبی است. در عین حال متولیت پیرامون فعالیت های خود در برابر مومنان گزارش می دهد. برای نظارت بر فعالیت مالی و اقتصاد مسجد، مومنان از میان خود کمیسیون تفتیشی مرکب از سه نفر انتخاب می کنند. این کمیسیون نیز نتیجه فعالیت های خود را در جلسات عمومی مومنان گزارش می دهد. این وضع اغلب توجه و تحسین رجال مذ هبی خارجی را، که از اتحاد شوروی دیدن می کنند، بر می انگیزد. محمد صوفت سقا امینی معاون دبیرکل جامعه جهان اسلامی در مقاله "خود تحت عنوان چند روز در سمرقند" می نویسد: "بود چه" سازمانهای اسلامی اتحاد شوروی تماماً بزرگه و سایر اعانات مبتنی است. من شخصاً شاهد بودم که مومنان اعانه های خود را با صفا و رفعت بر طبق اعتقادات مذ هبی خود می آوردند و بدین وسیله وفاداری و صداقت خود را نسبت بدین و مذ هب خویش به اثبات می رسانند."

در اتحاد شوروی مسلمانان سنی مذ هب بیشتر و شیعی مذ هب کمترند. در میان سنی ها پیروان فرقه های حنفی و شافعی دیده می شوند. طبق شرایط تاریخی در آن کشور چند مرکز مذ هبی اسلامی بوجود آمده است که توسط چهار انجمن روحانیون اسلامی با حقوق کاملاً برابر اداره و رهبری می شوند: ۱- انجمن روحانیون مسلمانان آسیای میانه و کازاخستان که مقرآن در شهر تاشکند (پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان) است. ۲- انجمن روحانیون مسلمانان بخش اروپائی اتحاد شوروی و سبیری که مقرآن در شهر اوفا (پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی خود مختار باشکیرستان) است. ۳- انجمن روحانیون مسلمانان شمال قفقاز که مقرآن در شهر مخاج قلعه (پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی خود مختار داغستان) است. ۴- انجمن روحانیون مسلمانان قفقاز که مقرآن در شهر باکو (پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان) است. در رأس هر انجمن صدر آن قرار دارد که در رکنه نمایندگان روحانیون و مومنان از میان معروفترین علمای الهی انتخاب می شود. سه انجمن اول را که متعلق به مسلمانان سنی مذ هبند، مفتی های برجسته رهبری می کنند. در رأس انجمن چهارم (مسلمانان قفقاز) که سنیان و شیعیان را در خود متحد کرده است شیخ الاسلام قرار دارد و معاون اول او مفتی است. اهداف، وظایف و صلاحیت های انجمن های روحانیون طبق موازین اسلامی تدوین و در اساسنامه هائی، که در رکنه های نمایندگان ادیان و مذاهب تصویب گردیده معین و مشخص شده است. مثلاً، در اساسنامه جدید انجمن روحانیون که در رکنه روحانیون مسلمانان شمال قفقاز در پاییز سال ۱۳۵۷ به تصویب رسید، ترتیب تشکیل و کارکنانها مقررات مربوط به انتخاب مقامات رهبری و وظایف و چگونگی کار انجمن های روحانیون و کمیسیون های تفتیش آنها، نکات اساسی مناسبات متقابل مساجد و انجمنها و غیره تعیین گردیده است. از جمله در بند ۶ این اساسنامه آمده است: "انجمن روحانیون مسلمانان امروز مذ هبی و شعائری سنتی و شریعتی مومنان ساکن شمال قفقاز را رهبری می کند و در این رهبری خود از رهنمود های قرآن مجید و احادیث پیغمبر اکرم (ص) پیروی می نماید." و در بند ۷ اساسنامه معین شده است: "انجمن روحانیون فعالیت خود را از طریق توضیح مبانی اساسی اسلام برای اتحادیه های مومنان عملی می سازد. انجمن روحانیون در عین حال مومنان شمال قفقاز را دعوت می کند که با هم، و با همه ملت های اتحاد شوروی، دوستی برادرانه داشته باشند، نسبت به کار و شغل خود برخوردی شرافتمندانه داشته باشند. انجمن روحانیون مومنان را با روحیات عدالت پروری، دوستی، حق پرستی، همیاری برادرانه، عشق و وفاداری بی پایان به میهن خود تربیت می کند." دایره حقوق و اختیارات انجمن های روحانیون بسیار وسیع است. آموزش و پرورش علمای مذ هبی جدید، آزمایش میزان معلومات امامان، خطبها و مومنانها، توصیه شایسته ترین آنها برای خدمت در مساجد جزو اختیارات و وظائف انجمن هاست. انجمن های روحانیون تفاسیر مذ هبی و فتاوی را تنظیم و تدوین می کنند، مضامین و مفاهم آنها را از طریق مساجد به اطلاع مومنان می رسانند. انجمن های روحانیون کار تشکیل و برگزاری گرد هم آئی های علمای، کنگره ها و کنفرانس های

مذ هبی را به عهده دارند. تحصیل و زندگی طلاب مدارس علوم الهی (نظیر مدرسه عالی مذ هبی تاشکند بنام امام النجاری)، تدوین تقویم های هجری قمری با ذکر کلیه تاریخ ها مهم مذ هبی، سازمان دادن مناسبات بین المللی با برادران همکیش در دیگر کشورها کمک به مومنانی که آرزوی به جا آوردن حج و دیگر شعائر مذ هبی را دارند زیر نظر رهبری انجمن های روحانیون صورت می گیرد. چاپ و انتشار مطبوعات مذ هبی یکی از وظائف مهم این انجمن هاست. سازمانهای مذ هبی اسلامی در اتحاد شوروی مرتباً آثار اسلامی را به چاپ می رسانند و منتشر می کنند. تنها انجمن روحانیون مسلمانان آسیای میانه و کازاخستان طی سالهای اخیر قرآن راش بار با تیراژهای بسیار زیاد تجدید چاپ کرده است (آخرین چاپ به اتفاق دیگر انجمن های روحانیون مسلمانان اتحاد شوروی صورت گرفت). انجمن روحانیون مسلمانان آسیای میانه و کازاخستان علاوه بر این، مجموعه احادیث پیغمبر اکرم را، که به موقع خود امام النجاری (بنام "الادب المفرد" و "صحیح النجاری") جمع آوری کرده بود، چاپ و منتشر ساخت. مفتی ضیاء الدین ابن ایشان باباخان رئیس این انجمن مقدمه بسیار جالبی بر این چاپ اخیر نوشته است. از جمله کتابهای اسلامی که در تاشکند منتشر شده است باید از اثر جالب اسمعیل مخدوم معاون رئیس این انجمن بنام "کتاب تاریخ قرآن خلیفه عثمان" (قدیمترین دست نویس قرآن و یادمان تاریخی گرانبهای است که هم اکنون در تاشکند نگهداری می شود) نام برد. هم اکنون یازده سال است که مجله "مسلمانان خاور زمین شوروی" مرتباً در تاشکند، ابتدا به دوزبان عربی و از یکی و سپس به چهار زبان (همچنین به انگلیسی و فرانسه) طبع و نشر می گردد. در صفحات مجله مقالاتی درباره علوم الهی و اسلامی، فتاوی صادره از سوی علما، مضمون مواعظی که در مساجد ایراد گردیده به چاپ می رسد در این مجله همچنین می توان گزارشهای مفصلی از کار دوره های اجلاسیه متناوب آکادمی پژوهشهای اسلامی در قاهره، کنفرانس های شورای عالی جهانی امور مساجد در مکه، مطالبی درباره "چگونگی مذاکرات و جانیه مسلمانان و مسیحیان در طرابلس، سمینارهای بین المللی اندیشه های اسلامی منعقد در الجزیره و غیره را مطالعه کرد. در صفحات این مجله صاحب دکتر محمد محمد الفهم شیخ اکبر دانشگاه اسلامی الازهر در قاهره، که پس از بازگشت از مسافرت به اتحاد شوروی در سال ۱۳۴۹ به مجله مصری "روضة الیوسف" داشته است به چاپ رسید. محمد محمد الفهم ضمن صحبت از فعالیت های سازمانهای مذ هبی و نظر و رفتار دولت سوسیالیستی نسبت به این سازمانها خاطر نشان ساخت: "آزادی مذ هب در اتحاد شوروی حقیقت است و من این حقیقت را به چشم خویش دیدم و خودم احساس کردم. کلیساها، مساجد جامع و دیگر اماکن مقدس مذ هبی در سراسر اتحاد شوروی فعالیت می کنند، مسلمانان مسیحیان، یهودیان در همه جا می توانند فرائض و شعائر مذ هبی خود را مراعات کنند. اما باید فهمید که حکومت شوروی از هیچ کس دعوت نمی کند که مذ هبی مومن باشد یا اصلاً بی مذ هب باشد، به این پایه آن دین یازد. هب اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد. عالم اسلامی دیگر ابوبکر حمزه رئیس دانشگاه اسلامی وابسته به مسجد جامع پاریس) پس از مراجعت از مسافرت به اتحاد شوروی گفت: من با جمعی از کوچکی شامل اطلاعاتی درباره"

اقتصادیات، تاریخ و جغرافیای اتحاد شوروی و دوچمدان بزرگ پراز پیشداوری و عدم اعتماد عازم مسافرت به شوروی شدم. من بیش از ۱۵ هزار کیلومتر در اتحاد شوروی مسافرت کردم، سمت و جهت مسافرتم را بعین خود تغییر می دادم، با آزادی از دستگاه فیلمبرداری استفاده می کردم، در ارتباط با مسلمانان، مسیحیان و یهودیان آزادی کامل داشتم. وقتی دانستم که در ترکیب دولت مرکزی اداره مخصوص امور مذاهب و ادیان وجود دارد، به من تعجبی مطبوع دست داد زیرا چنین اداره ای هم اکنون در اکثر کشورها اروپائی وجود ندارد. برای من این مسافرت حکم کشف را داشت. طبیعتی است که من جمعی از های پراز پیشداوری ها و عهده ها را سوزاندم و در عوض با جمعی سنگین و پراز احساسات دوستانه نسبت به این مردم خجسته بازگشتم. و اما آنچه که مربوط به توضیحاتی است، که گویا مسلمانان شوروی از آنها آزاری بینند و حتی مورد تعقیب و پیگرد قرار می گیرند، می توانم اعلام کنم که این اظهارات با واقعیات تطبیق نمی کند."

بقیه از صفحه ۷

عملکردهای سیاسی

تبلیفات رسمی، در جای نخست صدای آمریکا" دستور یافتند اخبار "مبارک" در باره چین و برای چین پخش کنند. این عمل در یک نادر دیده گرفته نشد. گزارش های نخستین گروه روزنامه نگاران چین که همراه تن سیاو پینگ به آمریکا رفته بودند، برای مطبوعات آمریکا افلاک گیر کننده بود. روزنامه نگاران چین در مقالات و برنامه های تلویزیونی خود بدون کترین اشاره به مسائل اجتماعی - اقتصادی نژادی و سیاسی حادی که در مانگیر جامعه آمریکا است به تأکید تکرار می کردند: "آمریکا زیباست". همواره پشت نیازهای تحکیم فعالیت سرویس های مخفی که این اوخرد آمریکا مطرح شده اند، انحصارات صنعتی و مالی با نفوذ وابسته به تولید کنندگان اسلحه قرار دارند. بیزنس و یک ارگان محافل تجاری آمریکا به تازگی نوشت که "تثبیت مواضع سرویس های مخفی آمریکا در جهان" از آن رو ضرورت دارد که روزی خود را "در برابر انتخاب جنگ کامل و بی حرکتی" نیابیم. چه باید کرد؟ موقعیت طوری است که آنها ناچار شده اند کنگره و دولت را به اتخاذ تدابیر فوری برای "تثبیت مجدد مواضع" از دست رفته ایالات متحده آمریکا در سراسر جهان تشویق نمایند.

بقیه از صفحه ۴

افق های وسیع ویتنام

می کنند. منابع عظیمی به امر دفاع از کشور در مقابل دخالت خارجی اختصاص می یابد. امپریالیست های آمریکا بی و توسعه طلبان پکن دست از عملیات تجاوزکارانه علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام و دیگر موکراسی های خلقی در رهند و چین بر نمی دارند. موقعیت در مرز تایلند - کامپوچیا به سبب تحریکات محافل امپریالیست بین المللی به شدت به وخامت گراییده با وجود این آنچه که در ویتنام دیدم و دارم می سازد که با اطعمیان بگویم مردم قهرمان این کشور قادر به حفظ دستاورد های سوسیالیستی و حل مشکلات کنونی شان هستند.



ترازنامه گروگانگیری

بقیه از صفحه ۱

های ایران در بانکهای آمریکا را فرو کند. در این باره می توان تنها از دیدگاه ارقام دآوری کرد و مدعی شد که برآورد بانک مرکزی از آرایه ها و سپرده های توقیف شده ایران ۱۳/۹ میلیارد دلار بود و آنچنانچه آنرا عاجلاً طبق بیانیه دولت الجزایر به ایران بازگردانده می شود ۲/۷ میلیارد است و "سرنوشت بقیه اموال به هیچ روشی نیست" (انقلاب اسلامی - ۲ بهمن ۱۳۵۹) و آنگاه بانویسنده مقاله در آن روزنامه هم‌آوا ز شد و پرسید: کدام پیروزی؟! ولی آیا مسئله این است؟ آیا واقعه ای به اهمیت گروگانگیری جاسوسان آمریکایی را می توان در ابعاد مالی توافقی که برای حل مسئله به دست آمد هست و تصور درست یا نادرستی که از آن برای ما حاصل شده است خلاصه کرد؟

به اعتقاد ما کسانی که از چنین زاویه ای به قضیه می نگرند بهانه جویی می کنند و بویژه کهنه اندیشه خود را بر زبان نمی آورند. آنان نه باشیوه حل مسئله گروگانگیری - که به هر حال روزی می بایست به صورتی حل شود - بلکه بانفس گروگانگیری و بیان روش انقلابی که بانیشر به سراغ مدل سرطانی دولت ها و توطئه های این جاسوسان رفت مخالف اند. و اگر در طول چهارده ماه گذشته نتوانستند در برابر پشتیبانی قاطع رهبر انقلاب از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و در برابر خواست توده های میلیونی مستضعفان ایستادگی کنند و سرسختی نشان دهند، از تخطئه کار گروگانگیری و اظهار ناراضگی در سخنرانی ها و کارنامه ها هم خود داری نمودند آنان گروگانگیری را از همان آغاز واکنش نا شتیه ای در برابر امتناع آمریکا از تحویل شاه و آرایه های به غارت برده اش به ایران ارزیابی می کردند، آن را اتحاد مبتذل بازی "ول کن بول کنم" تنزل می دادند و خود را در برابر اهمیت سیاسی - انقلابی مسئله و برد آن در سطح ملی و بین المللی به ندیدن و ندانستن می زدند. پیدا است که چنین برخوردی با مسئله گروگانگیری از یک نگرش سیاسی خاص سرچشمه می گیرد، - نگرشی که نمی خواهد انقلاب ایران در سیر تکاملی خود به راه قطع کامل و بی بازگشت پیوند با سرمایه انحصاری باختری بفتد.

با آنچه گذشت، شاید بیفایده نباشد که ارزیابی کوتاهی از ابتکار درخشان دانشجویان پیرو خط امام در تصرف جاسوسخانه آمریکا در تهران به عمل آید.

در حقیقت، گروگانگیری نقطه عطفی در مسیر انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران است که اهمیت آن را با هیچ رقم به میلیارد دلار نمی توان سنجید. این کار و افشاگری - هایی که به همراه داشت ماهیت جنایتکار سیاست آمریکا و خطری را که از سوی آن متوجه انقلاب ایران است به توده های مستضعف نشان داد. توده میلیونی زحمتکشان، در راه پیمایی هایی که به حمایت از دانشجویان در تهران و دیگر شهرها و روستاهای ایران صورت گرفت، بار دیگر رصحنه سیاست انقلابی ایران حضور یافت و خواست های بنیادی آن به ناچار به عنوان مسئله روز مطرح گشت. در همان حال، برخورد مثبت یا منفی با مسئله گروگانگیری صف نیروهای انقلابی پیکیر و سازش ناپذیر را از صف کسانی که به گوشه چشم یا به تمام چشم به سوی غرب می نگرند جدا کرد و به نحوی مبارزه طبقاتی را به درون اردوگاه اسلامی قدرت برد. همچنین، دشوار - یهای مالی و بازرگانی که گروگانگیری به

بقیه از صفحه ۱

بهتریدیل اسکات استاد دانشگاه کالیفرنیا نقش سرویس های مخفی از جمله تبلیغات شان را در تجاوز آمریکا به هند و چین به تفصیل مورد تحلیل قرار داد. او می نویسد: "تحریکات، حادثه آفرینی ها، نیزنگ ها، دروغ در ویتنام، لا سوس و کامبوج بهانه های دروغین برای تجاوز به کشورهای آسیای جنوبی است. به گفته اسکات: "آژانس های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا که از روزنامه نگاران و دانشمندان متعدد استفاده می کنند، سرچشمه اطلاعات نادرست ما در باره جنوب شرقی آسیا بوده اند، و از این رو در دوین جنگ هند و چین مسئولیت بسیار سنگینی دارند."

موج اعتراضاتی که افشای جنایات سیا در خارج و زیاد رویه پایش در خود ایالات متحده برانگیخت قانون گذاران آمریکا را مجبور کرد که در باره فعالیت سرویس های مخفی آمریکا به تحقیق پردازند و بررسی از آنها درک روشنتری از این فعالیت ها پیدا کنند.

بطور مثال یکی از اعضای کمیسیون چرچ اعلام داشت: "کمیسیون به حرف های شخصیت های معتبر قدیمی کشور ماکوش فراداد که از سازمان دادن قتلها به عنوان یک اقدام ساده و قدرت قانونی سیا صحبت کرده اند، ما بررسی کردیم که چگونه ایالات متحده از فساد، رشوه و خشونت تقریباً در تمام گوشه های جهان سود جسته است. ما در یافتیم که حربه جاسوسی علیه دشمنان و دوستانمان یکسان مورد استفاده قرار می گیرد. کمیسیون مسأله استفاده از سایلی چون موسسات فرهنگی، مطبوعات و سازمان های مذهبی را در جهت هدف های مخفی براندازی مورد بررسی قرار داد. . . . متأسفانه ایالات متحده امروز به خاطر فعالیت های مخفی روز به روز کثر به عنوان یک نمونه موکراسی تلقی می شود. . . ."

والتر ماندیل سناتور ایالت مینه سوتا که بعد به معاونت ریاست جمهوری آمریکا رسید، در پایان اعلامیه خود این آرزو را بیان نمود: "دنبال داشت و موضع گیری خصمانه کشور - های سرمایه داری نسبت به ایران انقلابی، گردانندگان حکومت و توده های مستضعف را به لزوم شناخت دقیق تر دوستان و دشمنان انقلاب ایران متقاعد ساخت و گرایش مثبتی را در سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران باعث شد که امید است با گام های استوار پین گرفته شود.

از سوی دیگر، این نکته که مرکز بزرگ جاسوسی آمریکا که در پوشش سفارت و مصونیت دیپلماتیک فعالیت داشت به تصرف در آید و چهارده ماه در تصرف بعاند آمریکا با همه اعتراض ها و فریادها، با همه تلاش های سیاسی و نظامی و دست زدن به انواع توطئه ها، نتواند جمهوری اسلامی ایران را وادار به تسلیم جاسوسان و در حقیقت تن دادن به سازش و روی گرداندن از هدف های انقلاب کند، هیبت غول آسای آن را در جهان پاک شکست. دوست و دشمن دانستند که آمریکا با همه قدرت شیطانی اش چنان در چهارمیخ معادلات نظامی و سیاسی جهان امروز گرفتار است که امکان توسل به

عملکردهای سیا

که به زودی عصر ساخت و پاخت های مخفی و روزمره رسانه های گروهی و رجال و حوادث مخلوق ایالات متحده به سر می رسد. بدیهی است که کنگره برای تحقق این آرزوی معقولانه مقدّمات باید هر نوع سازمان دادن عملیات براندازی را به یاری وسایل بزرگ خبری منع نماید. اما واقعیت خلاف این را نشان می دهد

چرچ کمیته "توصیه نمود که "استخدام عملی" اشخاص برای نوشتن مقالات، بازنگاهد اشتین آنها و قبول تصمیمات در سازمان های خبری ایالات متحده آمریکا موقوف کرد. اما این "توصیه" برای سیا به هیچ وجه الزام آور نیست. سناتور ها در مورد روزنامه نگاران و وسایل بزرگ خبری خارجی از برای توصیه خود داری کردند.

سوکمیسیون برای کنترل کمیسیون سرویس های مخفی مجلس نمایندگان که ۱۹۷۸-۱۹۷۷ (گزارشات درباره روابط موجود بین سیا و وسایل بزرگ خبری را استماع نمود، همان راه را دنبال کرد. ل. اسپین رئیس این کمیسیون از جانب اعضا آن اعلام داشت: " . . . برخی روابط بین آنها (سیا و وسایل خبری) حداقل باید بر پایه توافق آزادانه استوار باشد. اعضای پارلمان از اظهارات رئیس سیا، دریا سالار س. ترنر اطلاع حاصل کردند که هیچ محدودیتی در استفاده از رسانه های گروهی خارجی توسط سرویس های مخفی آمریکا امکان پذیر نیست زیرا آنها در حجاب برای مبارزه با نفوذ کمونیسم و پخش تبلیغات آمریکا در خارج اند." (نیوزویک، ژانویه ۱۹۷۸ ص ۳۰).

بدین ترتیب، شبکه تبلیغات سیا که بوسیله سرویس های مخفی آمریکا بوجود آمده و از مجرای آن عملیات براندازی صورت می گیرد که والتر ماندیل به پایان دادن آن اصرار دارد، همچنان دست نخورده باقی ماند. گس هال دبیر اول

زور - دست کم در این منطقه از جهان - ندارد. از این پس، بانمونه ای که ایران انقلابی به دست داد، توده های مستضعف جهان، جنبش های استقلال طلب و انقلابی ها - بی بخش مطمئن هستند که آنچه که تا دیروز ناممکن می نمود به یمن اوضاع کلی جهان امکان پذیر گشته است و با پیگیری و وحدت اراده و عمل می توان از سلطه امپریالیسم رهایی یافت و بر سرنوشت خود حاکم شد.

از آن گذشته، این هم که آمریکا سرانجام ناچار شود برای آزادی گروگانها تعهداتی را مبنی بر خود داری از هرگونه دخالت سیاسی و نظامی در ایران، لغو مجازاتهای مالی و بازرگانی، بازگرداندن اموال غارت شده شاه معدوم و نزدیکانش به گردن بگیرد و در اهمیت نمادی بس بزرگی است، حتی اگر در اجرای این تعهدات تعلل و تزیینها را در چنان که از هم اکنون زمزمه اش از واشنگتن به گوش می رسد و بهانه هایی هم زیر عنوان "بدرفتاری" با گروگانها پیش کشیده می شود. به هر حال، از این پس امثال سادات و قابول و حسن و پینوشه و دیگر مزدوران امپریالیسم

از ۱ نفر در انگلی تشکیل شد که زیر رهبری فرمانده "باز نشست" نیروی دریائی هربرت گنو قرار دارد. این شعبه مانند سایر ادارات و - شنگتن آخرین دستورات را برای روزنامه نگاران آمریکائی (تا ۲۰۰ نفر در سال) سازمان می دهد.

ویژگی تازه توجهی است که نسبت به برخی موضوعات می شود. به گفته ج. ال. تونورسین تبلیغات فرانسوی اسلوب زیر تأثیر تبلیغات "راتضمین می کند: تبلیغات مسائل" پدید آورنده " افکار عمومی بسیار مشخص را فراد است.

سیاقبل از هر چیز سعی در "تبلیغ" احساس ترس و بی اعتمادی نسبت به اتحاد شوروی دارد. کسی بعد از آمدن دریا سالا رترنر به سیا رسانه های گروهی موجی از گزارش های رنگارنگ، تحلیل ها و نمودارها دروغین به راه انداختند و مدعی شدند که "خطر نظامی شوروی در افزایش است" و در ده سال آینده این کشور از حیث نظامی برای اتحاد پیشی خواهد گرفت. سیاحتی اعلام داشت که بودجه جنگی اتحاد شوروی به ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده و از مخارج نظامی آمریکا بی جلوتر رفته است. سیا با "داد" های سیا - خکی درباره "تفسیر" تعادل استرا - تزیک اروپا" و هم آهنگی با سرویس ها و وسایل تبلیغاتی ایالات متحده و ناتو، شورای اتلانتیک را برای نصب موشک های برد متوسط هسته ای در اروپای غربی متقاعد ساخت.

اسلوب "تبلیغ" برای چین هم بکار گرفته شد. از پیش از آغاز شدن روابط دیپلماتیک واشنگتن و پکن ر. ج. براون تحلیلگر مخصوص سیا در مجله "سیاست خارجی" زفواید سازماندهی سریع همکاری عمومی با چین و تحویل تکنیک های جدید از جمله نظامی به چین سخن گفت. بسیار با معناست که مقالات وی کمی پس آنکه ج. بوش مدیر هیأت آمریکا - ثی برقراری رابطه با پکن در رأس سیا قرار گرفت انتشار یافته است. در پایان دهه ۷۰ ارگان های آمریکائی بقیه از صفحه ۷

در خیانت به حقوق ملت های خود تأییدی نخواهند داشت و همین باز پایه های تسلط امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا را سست خواهد کرد. این همه از برکت عمل پیرای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود که به حق سر - آغاز انقلابی بزرگتر و عمیق تر از انقلاب بهمن ۵۷ توصیف شده است.

در پایان باید توجه داشت که به رغم پایداری و سازش ناپذیری اکثریت قاطع مجلس شورای اسلامی و دولت آقای رجائی، هستند کسانی در مراجع قدرت که حل مسئله گروگانگیری را پایان هرگونه اختلاف با آمریکا تلقی می کنند و تهدیدی را که حضور نظامی عظیم آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند برای استقلال کشورهای منطقه و حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در بردارد نادیده می گیرند. هم اکنون نشانه هایی دیده می شود که تیزی حمله به سیاست سلطه جویی امپریالیسم را بهانه - هایی به سوی شمال متوجه سازند. باید مراقب بود و در دام چنین وسوسه ها و سیسه - هایی نیفتاد.